

آیا آیات ابلاغ واکمال در غدیر خم و امامت حضرت علی (ع) نازل شده است؟

## توضیح سؤال:

شبهه فوق که توسط ابن تیمیه مطرح گردیده، در صدد است تا این مطلب را القاء کند که آیه اکمال و ابلاغ در غدیر خم نازل نشده است؛ بلکه آیه اکمال روز نهم ذی الحجه و در عرفات نازل شده و آیه ابلاغ نیز مدت‌ها قبل از حجه الوداع نازل شده است. و اگر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در صدد بودند تا امیر المؤمنین علیه السلام را به خلافت بعد از خود معرفی کند می‌توانستند در جایی که جمعیتی بیش‌تر حضور دارند مثل شهر مکه و یا صحرائی عرفات، به این کار مبادرت ورزند. پس در نتیجه آن‌چه در غدیر اتفاق افتاد آن‌چیزی نیست که شیعه ادعای آن را دارد.

اصل شبهه ابن تیمیه

اصل شبهه ابن تیمیه به شرح زیر است:

قال الرافضي: الخبر المتواتر عن النبي (ص): أنه لما نزل قوله تعالى: (يا أيها الرسول بلغ

ما أنزل اليك من ربك). المائدة: 67. خطب الناس في غدیر خم ...

والجواب: أن هذا الجواب كذب، وأن قوله: (بلغ ما أنزل اليك من ربك)، المائدة: 67. ربك

نزل قبل حجة (الوداع) بمدة طويلة ...

ومما يبين ذلك أن آخر المائدة نزولاً قوله تعالى: (اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم

نعمتي). المائدة: 3. وهذه الآية نزلت بعرفة تاسع ذي الحجة في حجة الوداع، والنبي (ص) واقف

بعرفة، ...

فمن قال: إن المائدة نزل فيها شيء بغدير خم فهو كاذب مفتر باتفاق أهل العلم.

وهذا مما يبين أن الذي جرى يوم الغدير لم يكن مما أمر بتبليغه، كالذي بلغه في حجة

الوداع؛ فإن كثيراً من الذين حجوا معه - أو أكثرهم - لم يرجعوا معه إلى المدينة، بل رجع أهل مكة

إلى مكة، وأهل الطائف إلى الطائف، وأهل اليمن إلى اليمن، وأهل البوادي القريبة من ذلك إلى

بواديهم. وإنما رجع [معه] أهل المدينة ومن كان قريباً منها ...

رافضي (علامه حلّي) می‌گوید: روایت متواتر از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم

وارد شده که هنگامی که این آیه (آیه ابلاغ) نازل شد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در

غدیر خم برای مردم خطبه خواند ....

جواب او این می‌شود که این مطلب دروغی بیش نیست و آیه ابلاغ مدتی قبل از حجه

الوداع نازل شده است.

و از قرآینی که این مطلب را تبیین می‌کند آیه اکمال است که در نهم ذی حجه در

حجه الوداع در حال وقوف پیامبر در عرفات نازل گردید. و هر کس بگوید آیه‌ای از سوره مائده در

غدیر خم نازل شده دروغ‌گوست و افتراء وارد کرده است ...

و از مطالب دیگری که بیان می‌کند که آنچه در غدیر خم اتفاق افتاد چیزی نبود که پیامبر مأمور به تبلیغ آن باشد این است که بسیاری از مردم که به همراه پیامبر به حج رفته بودند به مدینه باز نمی‌گشتند؛ بلکه بعضی که اهل شهر مکه بودند در همان شهر می‌ماندند و بعضی که اهل طائف بودند مستقیماً به طائف می‌رفتند و بعضی دیگر که اهل یمن بوده به یمن می‌رفتند. [و هیچ‌کدام مسیرشان از غدیر خم نمی‌گذشت تا شاهد ابلاغ از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشند.]

پس اگر حضرت قصد این می‌داشتند که در روز غدیر امامت علی را اعلام کنند باید آن را در حجه‌الوداع ابلاغ می‌کردند. پس حال که حضرت این‌گونه نکردند و سخنی که مربوط به امامت علی بشود نفرمودند و هیچ کس نیز در این رابطه روایتی نه ضعیف و نه صحیح نقل نکرده است و حتی آن حضرت در خطبه خود نامی از علی هم به زبان نیاوردند در حالی که این مجمعی عمومی بود که همه حاجیان در آن حضور داشتند پس معلوم می‌شود که حضرت مأمور به ابلاغ امامت علی نبوده‌اند.

منهاج السنه النبویه، ج 7، ص 315 تا 317.

## سه شبهه در کلام ابن تیمیه

با توجه به مطالب فوق، از این گفتار ابن تیمیه سه شبهه را می‌توان جمع بندی کرد:

- 1 - آیه 3 سوره مائده (اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً) یعنی: آیه اکمال در غدیر خم نازل نشده؛ بلکه در روز عرفه نازل گردیده و ربطی هم به امامت امیر المؤمنین علیه السلام ندارد.
- 2 - آیه 67 سوره مائده (بلغ ما أنزل إليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس) یعنی: آیه ابلاغ هم در غدیر خم نازل نشده؛ بلکه این آیه مدت‌ها قبل از حجه‌الوداع در روزهای آغاز وحی و در مدینه پس از پایان جنگ احد نازل شده است. لذا به این آیه نیز به عنوان ادله نصب امامت نمی‌توان استدلال کرد.
- 3 - ابن تیمیه با توجه به دو اشکال فوق نتیجه می‌گیرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن چه را که مأمور به تبلیغ آن بوده ارتباطی به غدیر ندارد و اگر چنانچه مربوط به غدیر بود می‌بایست در مکه و یا عرفات که همه مردم مکه و یمن و ساکنان اطراف مکه حضور داشتند ولایت و امامت امیر المؤمنین علیه السلام را بیان می‌فرمود.

## اشکال اول:

### آیا آیه اکمال در روز عرفه نازل شده است؟

در حقیقت اشکال اول ابن تیمیه ناشی از روایتی از عمر بن خطاب می‌شود که در صحیح بخاری شأن نزول آیه اکمال را که آخرین آیه نازل شده بر پیامبر است در حجه‌الوداع و در عرفات در حال وقوف پیامبر در آن مکان و نزول آیه ابلاغ را نیز مدت‌ها قبل از آن دانسته است.

## شبهه ابن كثير شبیه به شبهه ابن تیمیه

ابن كثير متوفاي 774 هـ که هم عصر ابن تیمیه متوفاي 728 هـ است نیز شبهه‌اي با تکیه بر روایت عمر بن خطاب در نزول آیه اكمال در عرفه شبهه‌اي شبیه با آنچه ابن تیمیه طرح کرده بیان نموده است. با توجه به وجه اشتراك این دو شبهه، کلام ابن كثير را نیز طرح کرده و با پاسخ به اشکال ابن كثير که بنیه قوی‌تری نیز دارد در حقیقت هر دو اشکال پاسخ داده شده است.

این شبهه برخاسته از روایتی است که بخاری در صحیح خود از عمر بن خطاب آورده که عین همان روایت را ابن كثير در تفسیر خود نقل کرده است:

### روایت عمر بن خطاب راجع به آیه اكمال

**45 - أَنْ رَجُلًا مِنَ الْيَهُودِ قَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، آيَةٌ فِي كِتَابِكُمْ تُقْرَأُ وَهِيَ لَوْ عَلَيْنَا مَعَشَرَ الْيَهُودِ نَزَلَتْ لِاتَّخَذْنَا ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيدًا. قَالَ أَيُّ آيَةٍ قَالَ (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا). قَالَ عُمَرُ قَدْ عَرَفْنَا ذَلِكَ الْيَوْمَ وَالْمَكَانَ الَّذِي نَزَلَتْ فِيهِ عَلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَهُوَ قَائِمٌ بَعْرَةَ يَوْمَ جُمُعَةٍ.**

شخصی یهودی به عمر گفت: ای امیر المؤمنین! آیه‌ای در قرآن شما مسلمانان است و آن را می‌خوانید که اگر ما یهود این آیه را می‌داشتیم آن روز را عید می‌گرفتیم. عمر گفت: کدام آیه؟ گفت: «لِيَوْمِ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» عمر گفت: من زمان و مکان نزول این آیه را می‌دانم این آیه در حالی که پیامبر در عرفات وقوف کرده بود و روز جمعه بود نازل شد.

صحیح بخاری، ج 1، ص 16 ح 45، کتاب الإیمان و صحیح مسلم، ج 8، ص 239.

پس ابن تیمیه و ابن كثير با استناد به این روایت بر این اعتقادند که آیه اكمال در غدیر خم نازل نگردیده، بلکه در روز جمعه و در عرفات نازل گردیده است. کلام ابن كثير این چنین است:

وقال ابن جریر: وقد قيل ليس ذلك بيوم معلوم عند الناس، ثم روى من طريق العوفي عن ابن عباس في قوله: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» يقول: ليس بيوم معلوم عند الناس، قال: وقد قيل: إنها نزلت على رسول الله صلى الله عليه وسلم في مسيره إلى حجة الوداع، ثم رواه من طريق أبي جعفر الرازي عن الربيع بن أنس. قلت: وقد روى ابن مردويه من طريق أبي هارون العبدي عن أبي سعيد الخدري أنها نزلت على رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غدیر خم حين قال لعلي: من كنت مولاه فعلي مولاه، ثم رواه عن أبي هريرة، وفيه أنه اليوم الثامن عشر من ذي الحجة يعني مرجعه عليه السلام من حجة الوداع. ولا يصح لا هذا ولا هذا، بل الصواب الذي لا شك فيه ولا مرية أنها أنزلت يوم عرفة وكان يوم جمعة.

ابن جریر گفته است: نزول این آیه در روزی که بین مردم اشتهاار یافته؛ نبوده است و از طریق ابن عباس روایتی را نقل می‌کند در رابطه با آیه «اليوم...» وي می‌گوید: این روز آن روزی که نزد مردم شناخته شده است نمی‌باشد ... بلکه بدون هیچ شك و شبهه‌اي قول صحیح و ثواب این است که آیه اكمال در روز هشتم ذي الحجه که روز جمعه‌اي بوده در سرزمین عرفات نازل گردیده است.

تفسیر ابن كثير، ج 2، ص 15، تحقیق: يوسف عبد الرحمن مرعشلي، ناشر: دار المعرفه للطباعة والنشر

والتوزيع، بيروت، چاپ سال 1412هـ.

وي همچنین در کتاب سیره و تاریخ خود این گونه آورده است:

فأما الحديث الذي رواه ضمرة، عن ابن شوذب، عن مطر الوراق، عن شهر بن حوشب، عن أبي هريرة، قال: لما أخذ رسول الله صلى الله عليه وسلم بيد علي قال: من كنت مولاه فعلي مولاه، فأنزل الله عز وجل: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» قال أبو هريرة: وهو يوم غدیر خم، من صام يوم ثمان عشرة من ذي الحجة كتب له صيام ستين شهراً. فإنه حديث منكر جداً، بل كذب؛ لمخالفته لما ثبت في الصحيحين عن أمير المؤمنين عمر بن الخطاب أن هذه الآية نزلت في يوم الجمعة يوم عرفة، ورسول الله صلى الله عليه وسلم واقف بها.

روایتی که ضمیره، از ابن شوذب، از مطر الوراق، از شهر بن حوشب، از ابوهریره نقل کرده است که: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم دست علي را گرفت و فرمود: من كنت مولاه فعلي مولاه، و بعد از آن هم این آیه نازل شد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»، و ابوهریره گفته است این آیه در روز غدیر خم نازل شده است و هر کس روز هیجدهم ذی الحجه را روزه بگیرد برای او ثواب روزه شصت ماه خواهد بود. به درستی که این حدیث دروغ و منکر است؛ چون این روایت با روایتی که در صحیح مسلم و بخاری از عمر بن خطاب آمده است مخالف دارد؛ چون در آن روایت، دارد که این آیه در روز جمعه و در صحرائ عرفات در حالی که رسول خدا در آن جا وقوف نموده بود نازل شده است.

السيرة النبوية، ابن كثير، ج4، ص 425، تحقيق: مصطفى عبد الواحد، ناشر: دار المعرفة بيروت، چاپ سال 1395هـ - البدايه والنهيه، ج5، ص232، تحقيق: علي شيري، ناشر: دار احياء التراث العربي بيروت، چاپ اول، سال 1408هـ.

پس در حقیقت این شبهه ابن کثیر، توضیح همان شبهه ابن تیمیه است. لذا، به این شکل شبهه ابن تیمیه نیز قوت می‌گیرد و این احتمال تقویت می‌گردد که اصلاً آیه اکمال در غدیر خم نازل نگردیده است تا بخواند روایت من کنت مولاه فهذا علي مولاه و خطبه غدیر صحت داشته باشد.

## پاسخ به اشکال اول

**پاسخ به شبهه اول ابن تیمیه و شبهه ابن کثیر:**

در پاسخ به این قسمت از اشکال ابن تیمیه و ابن کثیر که می‌گویند آیه اکمال در عرفات نازل شده است می‌گوییم:

### 1 - نزول متعدد آیات با مناسبت‌های مختلف:

**1 -** بر فرض صحت نزول آیه شریفه در عرفه، این منافاتی با نزول آن در غدیر خم ندارد، زیرا بسیاری از آیات به مناسبت‌های مختلف چندین بار نازل گردیده است. مفسران و علمای اهل سنت تصریح کرده اند برخی از سور و یا آیات به مناسبت و به دلایل متعددی مثل عظمت شأن واقعه و یا تعدد اسباب نزول، تکرار گردیده است؛ به عنوان مثال: زرکشی در کتاب «برهان» خود می‌گوید:

وقد ينزل الشيء مرتين تعظيماً لشأنه، وتذكيراً به عند حدوث سببه، خوف نسيانه؛ وهذا

كما قيل في الفاتحة نزلت مرتين، مرة بمكة وأخرى بالمدينة.

گاهی آیه‌ای به علت عظمت شأن آن، و یا یادآوری آن به هنگام تکرار سبب و یا خوف از فراموشی آن تکرار می‌شود؛ و این مانند سوره فاتحه است که دو مرتبه نازل گردید یک مرتبه در مکه و بار دیگر در مدینه.

البرهان في علوم القرآن، زرکشی، ج1، ص30 تا 32، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم، ناشر: دار إحياء الكتب العربية بيروت، چاپ اول، 1376هـ.

سپس زرکشی برای تأیید ادعای خویش به ذکر چند مثال اقدام ورزیده است:  
ومثله ما في الصحيحين، عن ابن مسعود في قوله تعالى: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ» أنها نزلت لما سأله اليهود عن الروح، وهو في المدينة، ومعلوم أن هذه في سورة «سبحان» (الاسراء) وهي مكية بالاتفاق، فإن المشركين لما سأله عن ذي القرنين وعن أهل الكهف، قيل ذلك بمكة، وأن اليهود أمرهم أن يسأله عن ذلك، فأنزل الله الجواب، كما قد بسط في موضعه. وكذلك ما ورد في «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» أنها جواب للمشركين بمكة، وأنها جواب لأهل الكتاب بالمدينة والحكمة في هذا كله: إنه قد يحدث سبب من سؤال أو حادثة تقتضي نزول آية، وقد نزل قبل ذلك ما يتضمنها، فتوذي تلك الآية بعينها إلى النبي (صلى الله عليه وسلم) تذكيراً لهم بها، وبأنها تتضمن هذه... وما يذكره المفسرون من أسباب متعددة لنزول الآية قد يكون من هذا الباب، لا سيما وقد عرف من عادة الصحابة والتابعين أن أحدهم إذا قال نزلت هذه الآية في كذا، فإنه يريد بذلك أن هذه الآية تتضمن هذا الحكم، لا أن هذا كان السبب في نزولها.

مانند آنچه که در صحیح مسلم و بخاری از قول ابن مسعود در باره این آیه شریفه آمده «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ» که این آیه در باره سؤال یهود راجع به حقیقت روح در مدینه نازل شد، و حال آنکه به اتفاق مفسرین این سوره (اسراء) مکّی است... و یا آنچه که در باره سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» که در جواب مشرکان مکه نازل شده است، در جواب أهل کتاب مدینه نیز نازل شده است. حکمت این تعدد نزول آن است که: گاهی سبب نزول آیه و یا سوره‌ای سؤال یا حادثه‌ای است که اقتضاء نزول آیه‌ای را دارد، که قبل از آن آیه به مناسبت دیگر نازل شده است. و این باعث می‌شود تا آیه به همین مضمون بار دیگر نازل شود...

البرهان في علوم القرآن، زرکشی، ج1، ص30 تا 32، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم، ناشر: دار إحياء الكتب العربية بيروت، چاپ اول، 1376هـ.

### بخاری و مسلم برای يك آیه چندین شأن نزول ذکر می‌کنند

بخاری و مسلم نیز در صحاح خود أسباب نزول و زمان و مکان‌های متعدّد و مختلفی را برای نزول يك آیه ذکر می‌کنند، به عنوان مثال:

در تفسیر قول خداوند تعالی: «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا» (آل عمران: 77) دو سبب مختلف از حیث زمان و مکان و مورد برای نزول این آیه کریمه ذکر می‌کند:

سبب اول: آنچه که أشعث بن قیس درباره سبب نزول آیه‌ای ذکر می‌کند و این‌گونه می‌گوید:

**فِي أَنْزَلَتْ، كَانَتْ لِي بِنْرِ فِي أَرْضِ ابْنِ عَمِّ لِي ...**

این آیه در باره من به خاطر چاهی که در زمین پسر عمومیم داشتم نازل شد ...

صحیح بخاری: ج3 ص75، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ سال 1401هـ.

سبب دوم: آنچه از عبد الرحمن بن ابي أوفى وارد شده:

أن رجلاً أقام سلعة في السوق، فحلف فيها لقد أعطي بها ما لم يعطه، ليوقع فيها رجلاً من المسلمين، فنزلت: «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا».

شخصي كالایبی را در بازار به فروش گذارد و قسم یاد نمود که در ازای آن قیمتی پرداخته شود که هیچکس تا کنون نپرداخته است و قصدش از این کار این بود که شخصی از مسلمانان به این کالا رغبت پیدا نماید. در این حال بود که آیه نازل شد: « همانا کسانی که عهد خدا و قسم‌هایشان را به بهایی اندک می‌فروشند...

صحیح بخاری، ج 5، ص 167.

همچنین در باره اختلاف صحابه در أسباب نزول بعضی آیات، موارد فراوانی را بخاری در صحیح خود ذکر می‌کند:

مررت بالريذة، فإذا أنا بأبي ذر (رضي الله عنه) فقلت له: ما أنزلك منزلك هذا؟ قال: كنت بالشام، فاختلفت أنا ومعاوية في الذين يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في سبيل الله، قال معاوية: نزلت في أهل الكتاب، فقلت: نزلت فينا وفيهم، فكان بيني وبينه في ذاك ...

در ربهه با ابوذر برخورد نمودم به او گفتم: چه چیزی باعث اقامت تو در این مکان شده است؟ ابوذر گفت: در شام بودم که با معاویه در باره آیه «الذين يكتزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في سبيل الله» اختلاف پیدا نمودم، معاویه گفت: این آیه در باره اهل کتاب نازل شده است، اما من گفتم: هم در باره ما هم در باره آنها نازل شده است ...

صحیح بخاری، ج 2، ص 111، کتاب الزکاة، ناشر: دار الفکر - بیروت، چاپ سال 1401 هـ.

و نیز در کتاب حجّ در صحیح بخاری اختلاف بین عائشه و أبو بکر بن عبد الرحمن درباره سبب نزول آیه مبارکه: «إِنَّ الصَّفَاَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا» (البقره: 158) به تفصیل آمده است.

صحیح بخاری، ج 2، ص 169 و 170، کتاب الحجّ؛ و صحیح مسلم، ج 4، ص 69، کتاب الحجّ، باب بیان السعی

بین الصفا والمره.

بنابر این چه بسا آیه اِکمال نیز دو مرتبه نازل شده باشد، یک مرتبه در روز عرفه و بار دیگر در غدیر خم، لذا ممکن است آن یهودی که در مجلس عمر بن خطاب آن سخن را گفته است منظورش نزول آیه در روز غدیر بوده باشد، ولی عمر جواب او را به نزول آیه در روز عرفه داده باشد. و این جواب از عمر بن خطاب جای تعجب ندارد؛ چون اگر او بخواهد نزول این آیه را هیجده ذی الحجه و غدیر خم بداند، در حقیقت به خلافت امیر المؤمنین علیه السّلام و اِمامت او اعتراف نموده است. حاصل این‌که: مخالفت بعضی از روایات صحیح بخاری و مسلم در تعیین سبب نزول آیات، اقتضای تکذیب روایات دیگر را ندارد، بلکه کاشف از تعدّد و تغایر أسباب و زمان و مکان نزول یک آیه است. شاهد آن هم مطالبی بود که در صحیح مسلم و بخاری بیان شد.

## 2 - تعارض روایت عمر با احادیث صحیحہ دیگر

روایت عمر بن خطاب که اخیراً ذکر شد و نزول آیه اِکمال را در عرفات و در روز جمعه می‌داند متعارض با تعدادی از روایات دیگر است که در همین رابطه آمده است که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

### الف - نزول این آیه در روز دوشنبه

در روایت عمر بن خطاب آمده بود که آیه اِکمال در جمعه نازل شد، و این با آنچه که از ابن عباس با سند معتبر آمده است که آیه اِکمال روز دوشنبه نازل شده است در تعارض است، طبرانی با سنده خود از ابن لهیعه، از خالد بن ابی عمران، از حنش بن عبد الله صنعانی، از ابن عباس، این گونه روایت کرده است:

ولد نبیکم (صلی الله علیه وسلم) یوم الاثنین، ویوم الإثنین خرج من مکة، ودخل المدينة یوم الاثنین، وفتح بدمراً یوم الاثنین، ونزلت سورة المائدة یوم الاثنین «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» ورفع الرکن یوم الاثنین.

پیامبرتان در روز دوشنبه متولد شد و در روز دوشنبه از مکه هجرت نمود و روز دوشنبه به مدینه وارد شد و روز دوشنبه در جنگ بدر به پیروزی رسید و روز دوشنبه این آیه از سوره مائده بر او نازل شد «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» و روز دوشنبه رکن را از جای خود بلند نمود.

المعجم الكبير، طبرانی، ج 12، ص 183، کتاب الإیمان، تحقیق: حمدي عبد المجيد السلفي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ دوم.

پس این حدیث که می گوید آیه اکمال روز دوشنبه نازل شده منافات دارد با حدیث عمر بن خطاب در صحیح بخاری که صراحت دارد که این آیه روز جمعه نازل شده است.

### ب - نزول این آیه در لیله جمع (شب مزدلفه)

آنچه که بخاری و مسلم در صحیح خود از عمر بن خطاب نقل کرده اند که آیه اکمال در روز جمعه و در حال وقوف به عرفات نازل شده است (صحیح بخاری، ج 1، ص 16، کتاب الإیمان و صحیح مسلم، ج 8، ص 239)، منافات با روایت دیگری از مسلم در صحیحش از عمر بن خطاب دارد که، آیه اکمال در «لیله جمع» یعنی: شب وقوف در مزدلفه نازل شده است، یعنی همان شب عیدي که مسلمانان بعد از اتمام وقوف به عرفات به سوی منی، حرکت می کنند.

عن قیس ابن مسلم، عن طارق بن شهاب، قال: قالت اليهود لعمر: لو علينا معشر يهود نزلت هذه الآية «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» نعلم اليوم الذي أنزلت فيه، لاتخذنا ذلك اليوم عيداً، قال: فقال عمر: فقد علمت اليوم الذي أنزلت فيه، والساعة، وأين رسول الله صلى الله عليه وسلم حين نزلت، نزلت ليلة جمع ونحن مع رسول الله صلى الله عليه وسلم بعرفات.

شخصی یهودی به عمر گفت: اگر این آیه بر ما یهود نازل شده بود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» روزی را که این آیه در آن نازل شده بود را عید اعلام می کردیم عمر گفت: من روز و ساعت و مکان نزول این آیه را می دانم، این آیه در لیله جمع (شب حضور در مزدلفه) در حالی که ما با رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم در عرفات حضور داشتیم نازل شد.

صحیح مسلم، ج 4، ص 239.

### ج - نزول این آیه در شب جمعه

همچنین روایت بخاری و مسلم در صحیحشان از عمر بن خطاب با روایتی که روایتی که نسائی در سنن خود با سند صحیح نقل می کند که آیه اکمال شب جمعه نازل شده است منافات دارد.

عن قیس ابن مسلم، عن طارق بن شهاب قال: قال يهودي لعمر: لو علينا نزلت هذه الآية لاتخذناه عيداً «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» قال عمر: قد علمت اليوم الذي أنزلت فيه، واللييلة التي أنزلت، ليلة الجمعة، ونحن مع رسول الله صلى الله عليه وسلم بعرفات.

شخصی یهودی به عمر گفت: اگر این آیه بر ما نازل شده بود آن روز را عید می‌گرفتیم: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» عمر گفت: من روز و شبی را که این آیه در آن نازل شد را می‌دانم این آیه شب جمعه، در حالی که همراه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در عرفات بودیم نازل شد.

سنن نسائی، ج 5، ص 251، تحقیق: عبد الغفار سلیمان البنداری - سید کسروی، ناشر: دار الکتب العلمیه بیروت، چاپ 1- 1411 هـ.

ألبانی این حدیث را در زمره احادیث صحیح سنن نسائی درج کرده و از آن این‌گونه یاد کرده است: «صحیح». الألبانی، صحیح سنن النسائی: ج 2 ص 342.

پس اضافه بر آن که می‌توان پاسخ عمر را بر اساس تعدد شأن نزولها دانست همچنین: نزول آیه در شب جمعه عرفه منافات دارد با روایات صحیح دیگر در صحیح مسلم و سنن نسائی و المعجم طبرانی که نزول آیه اکمال را در اوقات دیگر غیر از آنچه که عمر در روز جمعه دانست ذکر کرده‌اند.

### د - تشکیک سفیان ثوری در نزول این آیه در روز جمعه

بخاری در صحیح خود گفته است: سفیان ثوری در نزول این آیه روز جمعه تشکیک کرده است و این خود با روایت عمر منافات دارد:

**4606 - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ عَنْ قَيْسِ عَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ قَالَتْ الْيَهُودُ لِعُمَرَ إِنَّكُمْ تَقْرَءُونَ آيَةً لَوْ نَزَلَتْ فِيْنَا لَاتَّخَذْنَاهَا عِيدًا. فَقَالَ عُمَرُ إِنِّي لَأَعْلَمُ حَيْثُ أَنْزَلَتْ، وَأَيْنَ أَنْزَلَتْ، وَأَيْنَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - حِينَ أَنْزَلَتْ يَوْمَ عَرَفَةَ، وَإِنَّا وَاللَّهِ بِعَرَفَةَ - قَالَ سُفْيَانُ وَأَشْكُ كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَمْ لَا - (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ).**

... سفیان گفته است: من شک دارم که این آیه در روز جمعه نازل شده باشد.

صحیح بخاری، ج 5، ص 186، کتاب التفسیر، ناشر: دار الفکر بیروت، چاپ سال 1401 هـ.

پس این روایت سفیان ثوری نیز که در صحیح بخاری آمده با روایت عمر که آیه اکمال در روز جمعه و در عرفات نازل شده منافات دارد.

### 3 - اتهام ابوهریره به کذب و افتراء

و اما آنچه که در کلام ابن تیمیه و ابن کثیر در کاذب و اهل افتراء بودن هر کسی که نزول آیه اکمال را در غدیر خم بدانند از عجایب و غرائب است!!! ابوهریره این‌گونه روایت می‌کند:

ضمرة ابن ربيعة القرشي عن ابن شاذب عن مطر الوراق عن شهر بن حوشب عن أبي هريرة. قال: من صام يوم ثمان عشرة من ذي الحجة كتب له صيام ستين شهرا، وهو يوم غدیر خم، لما أخذ النبي صلى الله عليه وسلم بيد علي بن أبي طالب فقال: ألسنت ولي المؤمنين؟ قالوا: بلى يا رسول الله! قال: «من كنت مولاه فعلي مولاه» فقال عمر بن الخطاب: بخ بخ لك يا بن أبي طالب أصبحت مولاي ومولى كل مسلم، فأنزل الله: «اليوم أكملت لكم دينكم»

(ترجمه این روایت بالاتر ذکر شده است)

تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج 8، ص 284 - تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 42، ص 233.

حال ابن تیمیه در باره این روایت می‌گوید:

من قال: إن المائدة نزل فيها شيء بغدير خم فهو كاذب مفتر

هر کس بگوید آیه‌ای از سوره مائده در غدیر خم نازل شده است کافر و مفتر است

منهاج السنه النبويه، ج 7، ص 315 تا 317.

و نیز ابن کثیر نیز این روایت ابن کثیر را دروغی بیش نمی‌داند و این‌گونه می‌گوید:  
فأما الحديث الذي رواه ... عن أبي هريرة فإنه حديث منكر جداً، بل كذب

روایت ابو هریره دروغ است.

السيرة النبويه، ابن کثیر، ج 4، ص 425، تحقیق: مصطفی عبد الواحد، ناشر: دار المعرفه بیروت، چاپ سال 1395 هـ - البدايه والنهائه، ج 5، ص 232، تحقیق: علي شيري، ناشر: دار احیاء التراث العربی بیروت، چاپ اول، سال 1408 هـ.

پس به این شکل هم ابن تیمیه و هم ابن کثیر ابو هریره را کاذب و اهل افتراء می‌دانند!!

#### 4 - صحت روایت نزول آیه در غدیر

برای اثبات صحت روایت نزول آیه اکمال در غدیر خم به عنوان مثال یکی از روایات را ذکر کرده و آن را بررسی سندی کرده و مابقی را از باب شاهد ذکر می‌کنیم:

#### بررسی رجالی سند نزول آیه اکمال در غدیر خم

خطیب بغدادی با سند خود نزول آیه اکمال در غدیر خم را این‌گونه آورده است:  
أنبأنا عبد الله بن علي بن محمد بن بشران، أنبأنا علي بن عمر الحافظ، حدثنا أبو نصر حبشون بن موسى بن أيوب الخلال، حدثنا علي بن سعيد الرملي، حدثنا ضمرة بن ربيعة القرشي، عن ابن شوذب، عن مطر الوراق، عن شهر بن حوشب، عن أبي هريرة، قال: من صام يوم ثمان عشرة من ذي الحجة كتب له صيام ستين شهراً، وهو يوم غدیر خم، لما أخذ النبي (صلى الله عليه وسلم) بيد علي بن أبي طالب، فقال: ألسنت ولي المؤمنين، قالوا: بلى يا رسول الله، قال: من كنت مولاة فعلي مولاة، فقال عمر بن الخطاب: بخ بخ لك يا بن أبي طالب، أصبحت مولاي ومولى كل مسلم، فأنزل الله: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ ومن صام يوم سبعة وعشرين من رجب كتب له صيام ستين شهراً، وهو أول يوم نزل جبرئيل x على محمد (صلى الله عليه وسلم) بالرسالة».

ترجمه و آدرس این روایت قبلاً آمده است.

خطیب بغدادی بعد از ذکر این روایت می‌گوید:

اشتهر هذا الحديث من رواية حبشون، وكان يقال: إنه تفرد به، وقد تابعه عليه أحمد بن عبد الله بن النيري، فرواه عن علي بن سعيد، أخبرنيہ الأزهری، حدثنا محمد بن عبد الله بن أخي ميمي، حدثنا أحمد بن عبد الله بن أحمد بن العباس بن سالم بن مهران المعروف بابن النيري إملاءً، حدثنا علي بن سعيد الشامي، حدثنا ضمرة بن ربيعة، عن ابن شوذب، عن مطر، عن شهر بن حوشب، عن أبي هريرة، قال: من صام يوم ثمانية عشرة من ذي الحجة، وذكر مثل ما تقدم أو نحوه.

این حدیث از روایت حبشون شهرت یافته است، وگفته می‌شود او در نقل این روایت منفرد است: و أحمد بن عبد الله بن نيري از او متابعت نموده، و او از علي بن سعيد روایت کرده است که مرا ازهری با خبر ساخت که: محمد بن عبد الله بن أخي ميمي، از أحمد بن عبد الله بن أحمد بن العباس بن سالم بن مهران معروف بابن نيري از علي بن سعيد شامي،

از ضمیره بن ربیعہ، از ابن شوذب، از مطر، از شهر بن حوشب، از ابو ہریرہ روایت نمود کہ: ہر کس روز ہیجده ذی الحجہ را روز بگیری ....

خطیب بغدادی، تاریخ بغداد: ج 8 ص 284-285، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت.

سپس ہمو میگوید:

وہذہ الروایة طریقہا صحیح فإن ابن بشران من شیوخ الخطیب البغدادی، وقال عنہ: «کتبت عنہ وكان سماعہ صحیحاً».

این روایت با طریق صحیح نقل شدہ است چون ابن بشران از شیوخ خطیب بغدادی است، و از او این گونه نقل کردہ است: «از او روایت را نقل کردم و روایت شنیدن از او صحیح است».

خطیب بغدادی، تاریخ بغداد: ج 10، ص 14، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ط 1-1417ھ.

و أما علی بن عمر حافظ، او همان دارقطنی صاحب سنن است کہ ذہبی در سیر أعلام النبلاء در بارہ او گفتہ است:

قال أبو بکر الخطیب: كان الدارقطني فريد عصره، وقريع دهره، ونسيح وحده، وإمام وقته، انتهى إليه علم الأثر والمعرفة بعلم الحديث وأسماء الرجال، مع الصدق والثقة.

أبو بکر خطیب گفتہ است: دارقطنی یکنای عصر، و نابغہ دہر، و بافتہ جدا تافتہ، و إمام وقت خود می باشد، کہ علم اثر و معرفت بہ علل دیت و أسماء رجال بہ او منتهی می شود.

ذہبی، سیر أعلام النبلاء: ج 16 ص 452، تحقیق: أكرم البوشي، إشراف وتخریج: شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، ط 9-1413ھ.

و أما حبشون الخلال را خطیب بغدادی در بارہ او گفتہ است:

أنبأنا الأزهری، أنبأنا علي بن عمر الحافظ [الدارقطني] قال: حبشون بن موسى بن أيوب الخلال صدوق.

خطیب بغدادی، تاریخ بغداد: ج 8 ص 285.

و أما علی بن سعید الرملي، او همان ابن ابي حملہ است کہ، ذہبی در المیزان در بارہ او گفتہ است: «ما علمت بہ بأساً، ولا رأيت أحداً الآن تكلم فيه، وهو صالح الأمر، ولم يخرج له أحد من أصحاب الكتب الستة مع ثقته»

هیچ مشکلی از او سراغ ندارم، و هیچ کس را ندیدم کہ درباره او کوچکترین حرفی زدہ باشد، او شخصی صالح الأمر بودہ، و بہ وثاقت او در أصحاب کتب ستہ کسی یافت نمی شود.

ذہبی، میزان الاعتدال: ج 3 ص 125، تحقیق: علي محمد الجاوي، الناشر: دار المعرفة - بیروت.

و ابن حجر در لسان المیزان نیز در این اعتقاد با ذہبی ہمراہی کردہ و گفتہ است:

«وإذا كان ثقة ولم يتكلم فيه أحد فكيف تذكره في الضعفاء؟!»

«وقتی کہ ہمہ او را از ثقات دانستہ اند و هیچ کس در مورد او قدحی وارد نمودہ است چگونه او را از ضعفاء بدانیم؟!»

ابن حجر، لسان المیزان: ج 4 ص 227، مؤسسة: مؤسسة الأعلمي - بیروت، ط 2-1390ھ.

و نیز ذہبی در جایی دیگر در بارہ او این گونه گفتہ است:

**«یتثبت فی امره، کأنه صدوق».**

ذهبی، میزان الاعتدال: ج 3 ص 131.

و أما ضميره بن ربيعه، أحمد بن حنبل در باره او دارد:

**من الثقات المأمونين، رجل صالح، صالح الحديث، لم يكن بالشام رجل يشبهه**

او از ثقات و مورد اعتماد و رجلی صالح و صالح الحديث، است که در تمام شام رجلی

همچون او یافت نمی‌شود.

أحمد بن حنبل، العلل: ج 2 ص 366، تحقيق: الدكتور وصي الله بن محمود عباس، المطبعة: المكتب

الإسلامي - بيروت، الناشر: دار الخاني - الرياض، ط1- 1408هـ.

و أما عبد الله بن شوذب را، ابن حجر در باره او گفته است:

**سكن البصرة والشام، صدوق عابد**

ابن حجر، تقريب التهذيب: ج 1 ص 501، دراسة وتحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب

العلمية - بيروت، ط2- 1415هـ.

و أما مطر الوراق، را ذهبی درباره او گفته است:

**الإمام الزاهد الصادق، أبو رجاء بن طهمان الخراساني، نزيل البصرة، مولیٰ علباء بن**

**أحمر اليشكري، كان من العلماء العاملين،**

ذهبی، سير أعلام النبلاء: ج 5 ص 452.

و در میزان ذهبی در باره او گفته است:

**فمطر من رجال مسلم، حسن الحديث.**

ذهبی، میزان الاعتدال: ج 6 ص 445، تحقيق: الشيخ علي محمد عوض والشيخ عادل أحمد عبد الموجود،

الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ط1- 1995م.

و أما شهر بن حوشب، از رجال مسلم، و در تاریخ الإسلام ذهبی در باره او این گونه آمده است:

**قال حرب الكرماني: قلت لأحمد بن حنبل: شهر بن حوشب، فوثقه، وقال ما أحسن حديثه،**

**وقال حنبل: سمعت أبا عبد الله يقول: شهر ليس به بأس. قال الترمذي: قال محمد، يعني البخاري:**

**شهر حسن الحديث، وقوي أمره».**

ذهبی، تاريخ الإسلام: ج 6 ص 387، تحقيق: د. عمر عبد السلام تدمري، الناشر: دار الكتاب العربي -

بيروت، ط1- 1407هـ.

**ابو هريره:**

ابو هریره نیز از صحابه می‌باشد که از دیدگاه اهل سنت صحابه فوق وثاقت می‌باشند. پس به این نتیجه می‌رسیم که این حدیث با الفاظ مذکوره از ابو هریره بدون هیچ‌گونه اشکالی در سند ذکر شده است. و حدیث ابو هریره بر اساس مبانی رجالی اهل سنت معتبر است، و ثابت می‌کند که آیه اِکمال در روز دوشنبه و در غدیر خم، یعنی: معارض با روایت عمر که می‌گوید: این آیه روز جمعه و در عرفه نازل شده است.

## **5 - علمای اهل سنت نزول آیه را در غدیر می‌دانند**

و در ادامه، روایات دیگر به عنوان شاهد بر روایت فوق ذکر می‌گردد:

گروهی از علماء اهل سنت نزول آیه «اليوم أكملت لكم دينكم...» را در باره واقعه غدیر دانسته‌اند، که اسامی

بعضی از آنها به شرح زیر است:

1 - أحمد بن موسى بن مردويه اصفهاني. 2 - أبو نعيم أحمد بن عبد الله اصفهاني. 3 - أبو الحسن علي بن محمد جلابي معروف به ابن مغازلي. 4 - موفق بن أحمد معروف به أخطب خطباء خوارزم. 5 - محمد بن علي بن إبراهيم نطنزي. 6 - أبو حامد محمود بن محمد صالحاني. 7 - إبراهيم بن محمد بن المؤيد الحموي.

### روایت ابن مردويه

أخرج عبد الرزاق الرسعني عن ابن عباس رضي الله عنه قال: لما نزلت هذه الآية: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» أخذ النبي صلى الله عليه وسلم بيد علي فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. وأخرج ابن مردويه عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه مثله، وفي آخره، فنزلت: «اليوم أكملت لكم دينكم» الآية. فقال النبي صلى الله عليه وسلم: الله أكبر على إكمال الدين وإتمام النعمة ورضى الرب برسائتي والولاية لعلي بن أبي طالب.

از ابن عباس روایت شده: هنگامی که این آیه نازل شد: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» نبي اکرم صلى الله عليه وآله وسلم دست علي را گرفت و فرمود: «من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه». ابن مردويه از أبو سعيد خدري مثل این روایت را نقل کرده است و در آخر آن این گونه آورده است: «اليوم أكملت لكم دينكم» تا آخر آیه. نبي اکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: الله أكبر براي إكمال دين و تمام گردیدن نعمت و رضایت الهي با رسالت من و ولایت علي بن أبي طالب.

الدر المنثور، ج 2، ص 298.

### روایت أبو نعيم

عن قيس بن الربيع عن أبي هارون العبدي عن أبي سعيد الخدري: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم دعا الناس إلى علي في غدير خم، وأمر بما تحت الشجرة من شوك فقم، وذلك في يوم الخميس، فدعا علياً وأخذ بضبعيه فرفعهما حتى نظر الناس بياض إبطين رسول الله صلى الله عليه وسلم، ثم لم يفترقوا حتى نزلت هذه الآية: «اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً» فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: الله أكبر على إتمام الدين وإتمام النعمة ورضى الرب برسائتي وبالولاية لعلي من بعدي الخ.

از أبو سعيد خدري روایت شده: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در روز غدیر در حالی که زیر سایه درختچه‌ای ایستاده بود مردم را به سوی علي فراخواند، و این اتفاق در روز پنج شنبه‌ای بود. در این روز علي را فرا خواند و زیر بازوی او را گرفت و بلند نمود تا جایی که مردم به راحتی زیر بغل‌های رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را می‌دیدند. تا این که در همان مجلس مردم متفرق نگردیده بودند که آیه نازل شد: «اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً» رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: الله أكبر به جهت إتمام دين و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و به ولایت علي بعد از من تا آخر آیه.

تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 42، ص 237 - خصائص الوحي المبين، الحافظ ابن بطريق، ص 93

## روایت ابن مغزلی

عن أبي هريرة قال: من صام ثمانية عشر من ذي الحجة كتب له صيام ستين شهرا وهو يوم غدیر خم، لما أخذ النبي صلى الله عليه وسلم بيد علي بن أبي طالب فقال: ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ قالوا: بلى يا رسول الله. قال: من كنت مولاه فعلي مولاه. فقال عمر بن الخطاب: بخ بخ لك يا ابن أبي طالب، أصبحت مولاي ومولى كل مؤمن ومؤمنة. فأنزل الله تعالى: «اليوم أكملت لكم دينكم».

از ابو هريره روايت شده: هر کس روز هيچدهم ذي الحجه را روزه بگيرد خداوند ثواب روزه شصت ماه را براي او مي نويسد و آن روز غدیر خم است. و هنگامي که نبي اکرم صلى الله عليه وسلم دست علي بن أبي طالب را گرفت و فرمود: آيا من از شما بر خود شما سزاوارتر نيستم؟ گفتند: بلى يا رسول الله. حضرت فرمود: من كنت مولاه فعلي مولاه. عمر بن خطاب گفت: تبريك تبريك اي فرزند ابو طالب. تو امروز مولاي من و مولاي هر مؤمن و مؤمنه اي هستي. و در اين جا بود که آيه نازل شد: «اليوم أكملت لكم دينكم».

مناقب علي بن أبي طالب ابن المغزلي، ص 18.

## روایت خوارزمي

عن أبي سعيد الخدري أن النبي صلى الله عليه وسلم يوم دعا الناس إلى غدیر خم، أمر بما كان تحت الشجرة من الشوك فقم وذلك يوم الخميس، ثم دعا إلى علي، فأخذ بضبعيه ثم رفعها حتى نظر الناس إلى بياض إبطه صلى الله عليه وسلم، ثم لم يفترقا حتى نزلت هذه الآية: «اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا» فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: الله أكبر على إكمال الدين وإتمام النعمة ورضا الرب برسالتني والولاية لعلي بن أبي طالب.

از ابو سعيد خدري روايت شده: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در روز غدیر در حالي که زير سايه درختچه اي ايستاده بود مردم را به سوي علي فراخواند، و اين اتفاق در روز پنج شنبه اي بود. در اين روز علي را فرا خواند و زير بازوي او را گرفت و بلند نمود تا جاي که مردم به راحتی زير بغل هاي رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم را ميديدند. تا اين که در همان مجلس مردم متفرق نگريده بودند که آيه نازل شد: «اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا» رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: الله أكبر به جهت اتمام دين و اتمام نعمت و رضایت پرودگار به رسالت من و به ولايت علي بعد از من. تا آخر آيه

مناقب علي بن أبي طالب خوارزمي، ص 80.

## روایت نطنزي

عن أبي هريرة قال: من صام ثمانية عشر من ذي الحجة، وهو يوم غدیر خم، لما أخذ رسول الله صلى الله عليه وسلم بيد علي فقال: ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ قالوا: نعم يا

رسول الله. قال: من كنت مولاه فعلي مولاه. فقال عمر بن الخطاب بخ بخ يا ابن أبي طالب أصبحت مولاي ومولى كل مسلم. فأنزل الله: «اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً» كتب له صيام ستين شهراً».

أبو هريره مي گوید: هر کس هیجدهم ذی الحجّه که روز غدیر خم می باشد را روزه بگیرد خداوند ثواب روزه شصت ماه را به او عطا می کند، و آن روزی بود که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم دست علی را گرفت و گفت: «آیا من به شما از خودتان سزاوارتر نیستم؟» گفتند: بله یا رسول الله. فرمود: «هر کس من مولای اویم علی مولای اوست.» عمر بن خطاب گفت: تبریک تبریک ای فرزند ابو طالب. تو امروز مولای من و مولای هر مؤمن و مؤمنه ای هستی. و در این جا بود که آیه نازل شد: «اليوم أكملت لكم دينكم» كتب له صيام ستين شهراً».

الخصائص العلوية - مخطوط. این روایت در شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج 1، ص 200 و بسیاری دیگر از کتب اهل بیت آمده .

### روایت صالحانی

قوله تعالى: «اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً» وبالاسناد المذكور عن مجاهد رضي الله تعالى عنه قال: نزلت هذه الآية بغدير خم فقال رسول الله صلى الله عليه وعلى آله وبارك وسلم: الله أكبر على إكمال الدين وإتمام النعمة ورضي الرب برسائتي والولاية لعلي. رواه الإمام الصالحاني.

آیه شریفه: «اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً» به اسناد مذکور از مجاهد روایت نموده است: زمانی که این آیه نازل در روز غدیر خم نازل شد رسول الله صلی الله علیه وآله وبارك وسلم فرمود: الله أكبر بر إكمال دين و إتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی علیه السلام این روایت را امام صالحانی روایت نموده است.

توضیح الدلائل علی ترجیح الفضائل - مخطوط - اصل این روایت در شواهد التنزیل حاکم حسکانی، ج 1، ص 201 و بسیاری دیگر از کتب اهل سنت آمده است.

### روایت حموینی

عن أبي سعيد الخدري: إن رسول الله صلى الله عليه وسلم دعا الناس إلى علي في غدير خم، وأمر بما تحت الشجرة من الشوك فقم - وذلك يوم الخميس - فدعا علياً فأخذ بضبعيه فرفعهما، حتى نظر الناس إلى بياض إبطي رسول الله صلى الله عليه وسلم، ثم لم يفترقوا حتى نزلت هذه الآية: «اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً». فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: الله أكبر على إكمال الدين وإتمام النعمة ورضا الرب برسائتي والولاية لعلي من بعدي ...

از أبو سعید خدری روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در روز غدیر در حالی که زیر سایه درختچه‌ای ایستاده بود مردم را به سوی علی فراخواند، و این اتفاق در روز پنجشنبه‌ای بود. در این روز علی را فرا خواند و زیر بازوی او را گرفت و بلند نمود تا جای که مردم به راحتی زیر بغل‌های رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را می‌دیدند. تا این که در همان مجلس مردم متفرق نگردیده بودند که آیه نازل شد: «الیوم أكملت لکم دینکم وأتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا» رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: الله أكبر به جهت اتمام دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و به ولایت علی بعد از من. تا آخر آیه

فوائد السمطين، ج 1، ص 74.

## 6 - نزول آیه «سأل سائل» در واقعه غدیر خم

از دیگر دلائل قطعی بر حدیث غدیر و امامت امیر المؤمنین علیه السلام نزول اولین آیه سوره معارج است. جمع کثیری از اکابر و اعلام اهل سنت این موضوع را در منابع خود ذکر نموده‌اند: اسامی افرادی که در متون خود به این مورد اشاره نموده‌اند به شرح زیر است:

1 - أحمد بن محمد بن إبراهيم ثعلبي نیشابوری در تفسیر خود. 2 - شمس الدین سبط ابن جوزی. در «تذکره خواص الأمه» ص 30. 3 - إبراهيم بن عبد الله يمني وصابی. در «تفسیر شاهی» ذیل تفسیر همین آیه. 4 - محمد بن يوسف زرندي مدنی. در «معارج الوصول مخطوط ذیل همین آیه شریفه. 5 - شهاب الدین بن شمس الدین دولت آبادی. در «هدایه السعداء» در قسمت الجلوه الثانيه من الهدایه الثامنه. 6 - نور الدین علی بن عبد الله سمهودی. در «جواهر العقدين - مخطوط». 7 - نور الدین علی بن محمد بن صباح. در «الفصول المهمه، ص 42. 8 - عطاء الله بن فضل الله محدث شیرازی. در «الأربعین - مخطوط». 9 - شمس الدین عبد الرؤف مناوی. در «فیض القدير في شرح الجامع الصغير، ج 6، ص 281». 10 - شیخ بن عبد الله عیدروس. در «العقد النبوي والسر المصطوفي - مخطوط». 11 - محمود بن محمد شیخانی قادری مدنی در «الصراف السوي في مناقب آل النبي - مخطوط». 12 - نور الدین علی بن إبراهيم حلبی در «السيره الحلبیه، ج 3، ص 337». 13 - أحمد بن فضل باکثیر مکی. در «وسيله المآل في عد مناقب الال - مخطوط». 14 - محمد محبوب عالم. به نقل از «العقد النبوي» از تفسیر ثعلبی. 15 - محمد صدر عالم. در «معارج العلی في مناقب المرتضى - مخطوط». 16 - محمد بن إسماعيل بن صلاح الأمير. در «الروضه النديه - شرح التحفه العلویه، ص 84». 17 - أحمد بن عبد القادر عجلی. در «ذخيره المآل في شرح عقد جواهر اللئال» 18 - السيد مؤمن بن حسن شبلنجی. در «المناقب الحیدریه، ص 75 و 77» در ذیل به ذکر يك نمونه از موارد فوق بسنده کرده و جویندگان تفصیل را به منابع ارجاع می‌دهیم.

### روایت ابو اسحاق ثعلبی

سئل سفیان بن عیینة عن قول الله عز وجل: «سأل سائل» فیمین نزلت؟ فقال: لقد سألتني عن مسألة ما سألني عنها أحد قبلك. حدثني أبي عن جعفر بن محمد عن آبائه: لما كان رسول الله صلى الله عليه وسلم بغدير خم، نادى الناس فاجتمعوا، فأخذ بيد علي بن أبي طالب فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه، فشاغ ذلك وطار في البلاد، فبلغ ذلك الحارث بن النعمان الفهري، فأتى رسول الله على ناقة حتى أتى الأبطح، فنزل عن ناقته فأنأخها وعقلها، ثم أتى النبي وهو في ملاء من أصحابه فقال: يا محمد! أمرتنا عن الله أن نشهد أن لا إله إلا الله وأنت رسول الله، فقبلناه منك. وأمرتنا أن نصلي خمسا، فقبلناه منك، وأمرتنا بالزكاة فقبلناه، وأمرتنا أن نصوم شهر رمضان فقبلناه منك،

وأمرتنا بالحج فقبلناه. ثم لم ترض بهذا حتى رفعت بضبعي ابن عمك فضلتنا علينا وقلت: من كنت مولاه فعلي مولاه!! فهذا شئ منك أم من الله عز وجل؟! فقال صلى الله عليه وسلم: والذي لا إله إلا هو إن هذا من الله. فولى الحارث بن النعمان يريد راحلته وهو يقول: اللهم إن كان ما يقوله محمد حقا فأمطر علينا حجارة من السماء أو ائتنا بعذاب أليم. فما وصل إليها حتى رماه الله بحجر فسقط على هامته وخرج من دبره فقتله. وأنزل الله عز وجل: «سأل سائل بعذاب واقع للكافرين ليس له دافع».

از سفیان بن عیینہ در بارہ شأن نزول آیہ شریفہ: «سأل سائل» سؤال نمودند؟ او گفت: از مسأله‌ای سؤال کردید که تاکنون کسی از من سؤال نکرده است. پدرم از حضرت جعفر بن محمد از پدران بزرگوارشان نقل نمود: هنگامی که رسول خدا به سرزمین غدیر خم رسید، مردم را ندا داد و چون مردم اجتماع نمودند، دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمود: «من كنت مولاه فعلي مولاه»، این سخن میان مردم و شهرهای مختلف اشتہار پیدا کرد، تا این که این خبر به حارث بن نعمان فہری رسید، از این رو سوار بر ناقہ‌ای خود را بہ ابطح و نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ رساند، از مرکب خود پیادہ شد و پای شتر خود بیست و در حالی کہ حضرت میان جمعی از صحابہ حضور داشتند جلو آمد و گفت: یا محمد! ما را امر نمودی تا شہادت بہ وحدانیت خداوند و رسالت تو دہیم و در پنج موعد بہ نماز بایستیم و زکات بپردازیم ماہ رمضان را روزہ بگیریم، و حج انجام دہیم این ہمہ را پذیرفتہ و انجام دادیم. اما انگار بہ این مقدار رضایت ندادہ و بعد از آن دست پسر عموی خود گرفتہ و بر ما فضیلت بخشیدی و گفتی: «من كنت مولاه فعلي مولاه!!» آیا این کہ نیز از جانب خداست و یا از جانب خود چنین امری می‌نمایی؟ رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: بہ خدای یکتا قسم کہ تمام این‌ها از جانب خداوند است. حارث بن نعمان وقتی این سخن را شنید رو برگردانید و در حالی کہ محل را ترک می‌کرد گفت: خدایا اگر آنچه کہ محمد می‌گوید حقیقت دارد باران سنگ و یا عذاب سختی از آسمان فرو فرست. با گفتن این سخن او کہ هنوز بہ مرکب خود نرسیدہ بود سنگی از آسمان فرود آمد و بر فرق سر او اصابت نمود و از عقب او خارج گشت و او را در همان مکان بہ قتل رسانید. در ہمین حال بود کہ آیہ نازل شد: «سأل سائل بعذاب واقع للكافرين ليس له دافع». (تفاضکنندہ‌ای تقاضای عذابی کرد کہ واقع شد! این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند).

تفسیر الثعلبی، ثعلبی، ج 10، ص 35.

شرح حال و شخصیت ثعلبی

أستاذ أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم ثعلبي، أو را خير العلماء بلکه دریای علم و ستاره درخشان آسمان‌ها، و مایہ زینت امامان [چهارگانه اهل سنت] بلکه مایہ افتخار آنها دانسته‌اند، و [بعضی] او را برتر از امامان چهارگانه دانسته‌اند. تفسیر ملقب بہ «الکشف و الیابان» برای اوست.

معجم الأدباء، ج 12، ص 262.

ابن خلکان، ثعلبی را این‌گونه توصیف می‌نماید:

أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي. النيسابوري، المفسر المشهور، كان أوحداً

أهل زمانه في علم التفسير.

در علم تفسیر در زمان خود بی‌نظیر و سرآمد بود.

وفيات الأعيان، ج 1، ص 61 و 62.

ذهبي او را اينگونه مي‌ستايد:

وكان حافظا واعظا، رأسا في التفسير والعربية، متين الديانة، توفي في المحرم

ثعلبي حافظ و واعظ و در اوج قله تفسير و ادبيات عرب و متدين بود و در محرم وفات

نمود.

العبر، حوادث سال 427.

پس نتیجه مي‌گيريم طريق اين حديث معتبر است، و هيچ كلامي در سند آن وجود ندارد

## تعجب ابن كثير از پاداش يك روز روزه معادل روزه شصت سال

در جايي ديگر ابن كثير به روايت غدیر اشکالي اينچنين کرده است:

وكذا قوله: **إن صيام يوم الثامن عشر من ذي الحجة وهو يوم غدیر خم يعدل صيام ستين**

**شهرا. لا يصح، لأنه قد ثبت ما معناه في الصحيح: إن صيام شهر رمضان بعشرة أشهر، فكيف يكون**

**صيام واحد يعدل ستين شهرا. هذا باطل ...**

همچنين اين قسمت از روايت ابو هريره كه روزه روز هجدهم ذي الحجه يعني روز

غدیر معادل روزه شصت ماه است صحيح نمي‌باشد، چرا كه با روايتي كه مضمون آن در صحيح

وجود دارد روزه رمضان معادل با ده ماه است، حال چگونه ممكن است روزه يك روز با روزه

**شصت ماه برابر باشد. پس ثابت مي‌شود كه روايت غدیر باطل مي‌باشد.**

البدایه والنهایه، ابن كثير، ج 5، ص 233.

## پاسخ به شبهه ابن كثير

در پاسخ به اين اشكال ابن كثير مي‌گوئيم: كمترين آشنائي با روايات و احاديث، ما را از نظايري با خبر مي‌سازد كه در مورد بحث جاي استبعاد باقي نمي‌گذارد.

**نظاير:**

### 1 - ثواب معادل با شصت ماه:

عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال: من صام يوم سبع وعشرين من رجب كتب الله له

صيام ستين شهرا، وهو اليوم الذي نزل فيه جبرئيل عن النبي صلى الله عليه وسلم بالرسالة، وأول

يوم هبط فيه جبرئيل.

ابو هريره مي‌گويد: هر كس روز بيست و هفتم ماه رجب، روزي كه جبرئيل براي اولين

بار از آسمان به زمين نزول كرد را روزه بگيرد، خداوند ثواب شصت ماه روزه به او عنایت مي‌كند.

شواهد التنزيل، حاكم حسانكي، ج 2، ص 500 - إنسان العيون في سيرة الأمين والمأمون، ج 1، 384.

## 2 - ثواب معادل با صد سال:

عن أبي هريرة وسلمان الفارسي - رضي الله عنه - قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إن في رجب يوماً وليلة، من صام ذلك اليوم وقام تلك الليلة كان له من الأجر كمن صام مائة سنة وقامها، وهي ثلاث بقين من رجب، وهو اليوم الذي بعث فيه نبينا صلى الله عليه وسلم. ... در ماه رجب شب و روزي است که هر کس آن روز را روزه داشته و آن شب را به عبادت بایستد برای او اجري معادل با روزه صد سال با عبادت شبهاي آن است و آن سه روز آخر ماه رجب است که پیامبر ما در آن به نبوت مبعوث گردید. غنیه الطالبین، ص 502 و 503.

## 3 - ثواب معادل با صد سال روزه و عبادت:

وعن أبي هريرة وسلمان الفارسي - رضي الله عنهما - قال قال النبي صلى الله عليه وسلم: إن في رجب يوماً وليلة من صام ذلك اليوم وقام تلك الليلة كان له من الأجر كمن صام مائة عام وقامها، وهي ثلاث بقين من رجب. ... در رجب شب و روزي است که هر کس آن روز را روزه داشته و آن شب را به عبادت بایستد معادل با عبادت صد سال روزه و عبادت شبهاي آن است. نزّهه المجالس، ج 1، ص 154.

## 4 - ثواب معادل با هزار سال و دو هزار سال و سه هزار سال:

... عن أبيه عن علي بن أبي طالب رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : إن شهر رجب شهر عظيم، من صام منه يوماً كتب الله تعالى له صوم ألف سنة، ومن صام منه يومين كتب الله صوم ألفي سنة، ومن صام منه ثلاثة أيام كتب الله تعالى له صوم ثلاثة آلاف سنة. ... رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم فرمودند: ماه رجب ماهي بسيار بزرگ است. هر کس يك روز از آن را روزه بدارد خداوند ثواب معادل با هزار سال روزه و اگر دو روز را روزه بدارد معادل با دو هزار سال و سه روز معادل با سه هزار سال به او عنایت مي فرماید. غنیه الطالبین، ص 483.

## 5 - ثواب معادل با سه هزار سال و ... صد هزار سال:

قال علي رضي الله عنه: صوم ثالث عشر رجب كصيام ثلاثة آلاف سنة، وصوم رابع عشر رجب كصيام عشرة آلاف سنة، وصوم عشرين كصيام مائة ألف عام ... وعن النبي صلى الله عليه وسلم: فضل رجب على سائر الشهور كفضل القرآن على سائر الكلام. وعنه صلى الله عليه وسلم: من صام يوماً من رجب فكأنه صام أربعين سنة. ... روزه سیزده رجب ثواب روزه سه هزار سال دارد و روزه چهارده رجب ثواب روزه چهارده هزار سال و روزه بیستم ثواب صد هزار سال دارد. از رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم روایت شده که فضیلت ماه رجب نسبت به سایر ماههاي سال هم چون فضیلت قرآن

نسبت به سایر کلامهاست. هر کس يك روز از ماه رجب را روزه بگیرد مانند این است که چهل سال روزه گرفته باشد.

نزهة المجالس، ج 1، ص 152.

## پاسخ به اشکال دوم ابن تیمیه

آیا آیه ابلاغ قبل از غدیر نازل شده است؟

اشکال دوم ابن تیمیه این بود:

آیه 67 سوره مائده (بلغ ما أنزل اليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس)، در غدیر نازل نشده بلکه این آیه مدت‌ها قبل از حجه الوداع در روزهای آغاز وحی و در مدینه پس از پایان جنگ احد نازل شده است. لذا به این آیه نمی‌توان به عنوان ادله نصب امامت استدلال کرد. در پاسخ به این قسمت از اشکال ابن تیمیه می‌توان به منابع اهل سنت در بیان شأن نزول آیه ابلاغ مراجعه نمود.

## شأن نزول آیه ابلاغ در منابع اهل سنت

منابع و مصادر معتبر اهل سنت به این حقیقت اعتراف دارند که آیه ابلاغ نیز در روز غدیر نازل شد. اسامی تعدادی از علمای اهل سنت که این مطلب را یادآور شده‌اند به شرح زیر است:

1 - ابن ابی حاتم عبد الرحمن بن محمد بن إدريس رازي 2 - أحمد بن موسى بن مردويه. 3 - أحمد بن محمد ثعلبي. 4 - أبو نعيم أحمد بن عبد الله اصفهاني. 5 - أبو الحسن علي بن أحمد واحدي. 6 - مسعود بن ناصر سجستاني. 7 - عبد الله بن عبيد الله حسكاني. 8 - ابن عساكر علي بن حسن دمشقي. 9 - فخر الدين محمد بن عمر رازي. 10 - محمد بن طلحة نصيبي شافعي. 11 - عبد الرزاق بن رزق الله رسعني. 12 - حسن بن محمد نيشابوري. 13 - علي بن شهاب الدين همداني. 14 - علي بن محمد معروف به ابن صباغ مالكي. 15 - محمود بن أحمد عيني. 16 - عبد الرحمن بن أبي بكر سيوطي. 17 - محمد محبوب عالم. 18 - حاج عبد الوهاب بن محمد. 19 - جمال الدين عطاء الله بن فضل الله شيرازي. 20 - ميرزا محمد بن معتمد خان بدخشاني.

روایت ابن ابی حاتم عبد الرحمن بن محمد بن إدريس رازي

أخرج ابن أبي حاتم وابن مردويه وابن عساكر عن أبي سعيد الخدري قال: **نزلت هذه الآية:**

«يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» على رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غدیر خم في **علي بن أبي طالب.**

آیه «يا ايها الرسول بلغ...» در غدیر خم بر رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم و در

شأن [حضرت] علي بن ابي طالب [عليهما السلام] نازل شده است.

الدر المنثور، ج 2، ص 298 - عمده القاري، عيني، ج 18، ص 206 - أسباب نزول الآيات، واحدي نيشابوري، ص 135 - شواهد التنزيل، حاكم حسكاني، ج 1، ص 250 - فتح القدير، شوکاني، ج 2، ص 60 - تفسير آلوسي، ج 6، ص 193.

ذهبی در باره شخصیت ابن ابی حاتم آورده است:

قد كساه الله نورا وبهاء يسر من نظر إليه ... وكان بحرا لا تكدره الدلاء. وكان بحرا في

العلوم ومعرفة الرجال، ... وكان زاهدا يعد من الأبدال ... قلنسوة عبد الرحمن من السماء، وما هو

بعجب رجل منذ ثمانين سنة على وتيرة واحدة لم ينحرف عن الطريق ... يقال إن السنة بالري ختمت بابن أبي حاتم. قال الإمام أبو الوليد الباجي: عبد الرحمن بن أبي حاتم ثقة حافظ ...

خداوند او را با جامه‌اي از نور و ارزش پوشانده است که همه ناظرين به او خوشحال و مسرور مي‌شوند. او دريايي از علم و آشناي به علم رجال است که با دلوي از آب کدر و تيره نمي‌شود. زاهدي است که لقب ابدال مي‌توان بر او نهاد ... کلاه او از آسمان آمده و جاي تعجب از او نيست که هشتاد سال عمر خویش را به سبک و روشي واحد بدون هرگونه انحراف و لغزش پيموده است ... گفته مي‌شود: سنت در ري به اين ابي حاتم ختم گرديد. و عبد الرحمن بن ابي حاتم در باره او گفته است: او شخصي موثق و حافظ است..

سير أعلام النبلاء، ج 13، ص 263.

### روایت ابن مردويه

وأخرج ابن مردويه عن ابن مسعود قال: كنا نقرأ على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم: يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك **إن عليا مولى المؤمنين وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس**

در زمان رسول خدا اين آيه را اين گونه قرائت مي‌کرديم: يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك **إن عليا مولى المؤمنين** وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس.

الدر المنثور، ج 2، ص 298.

ذهبي در باره شخصيت ابن مردويه آورده است:

ابن مردويه الحافظ الثبت العلامة ... صاحب التفسير والتاريخ وغير ذلك ... وعمل المستخرج على صحيح البخاري، وكان قيما بمعرفة هذا الشأن، بصيرا بالرجال، طويل الباع، مليح التصانيف. ولد سنة 323. ومات ... سنة 410.

ابن مردويه شخصي حافظ و داراي قوه ثبت و علامه است ... صاحب كتب تفسير و تاريخ و غيره است ... و صحيح بخاري را استخراج کرده، و به اين کار آشنايي کامل داشته است، و به علم رجال بصير و آگاه بوده است، دستي بخشنده و با کرم داشته است، و صاحب تصنيفات مليحي بوده است. و در سال 323 هـ متولد و در سال 410 هـ وفات يافت.

تذکره الحفاظ، ج 3، ص 1050.

### روایت ثعلبي

... معناه: بلغ ما أنزل إليك من ربك في فضل علي بن أبي طالب، فلما نزلت هذه الآية أخذ رسول الله صلى الله عليه وسلم بيد علي فقال: ...

تفسير الثعلبي، ج 4، ص 91.

أخبرني ... عن ابن عباس في قوله تعالى: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» الآية. قال: نزلت في علي، ...

... معنای آن این است که آنچه از سوی پروردگارت در فضل علی بن ابی طالب به تو نازل می‌شود را به مردم ابلاغ کن و چون این آیه نازل شد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم دست علی را گرفت و فرمود: ... و روایت کرد در باره آیه بلغ ما انزل ... که این آیه درباره علی [علیه السلام] نازل شده است.

تفسیر الثعلبی، ج 4، ص 92.

سُبُکِّي در باره ثعلبی می‌گوید:

وكان أوجد زمانه في علم القرآن وله كتاب العرائس في قصص الأنبياء عليهم السلام.

او در عصر و زمان خود در علم قرآن بی‌نظیر بود و کتاب «عرائس» در باره قصه‌های انبیاء علیهم السلام از اوست.

طبقات الشافعية، ج 4، ص 58.

أسنوي در شرح حال ثعلبی می‌گوید:

ذکره ابن الصلاح والنووي من الفقهاء الشافعية، وكان إماما في اللغة والنحو.

... او امام در لغت و علم نحو بود.

طبقات الشافعية، ج 1، ص 429.

داودي در شرح حال ثعلبی می‌گوید:

كان أوجد أهل زمانه في علم القرآن حافظا للغة، بارعا في العربية، واعظا، موثقا

او در علم قرآن بی‌نظیر و حافظ در علم لغت و نو آور در علم عربی و واعظ و موثق بود.

طبقات المفسرين، ج 1، ص 65.

## روایت واحدی

... عن أبي سعيد الخدري قال نزلت هذه الآية: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك»

يوم غدیر خم في علي بن أبي طالب رضي الله عنه.

... از ابو سعید خدری نقل شده است که آیه «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إليك من

ربك» در روز غدیر خم و در شأن علی بن ابی طالب [علیهما السلام] نازل شده است.

أسباب النزول واحدی، ص 115.

ذهبی در شرح حال واحدی این‌چنین آورده است:

الإمام العلامة الأستاذ أبو الحسن ... صاحب التفسير، وإمام علماء التأويل ...

إمام، علامه، استاد، ابو الحسن ... صاحب تفسیر، و پیشوای علمای تأویل بود ...

سير أعلام النبلاء، ج 18، ص 339.

## روایت ابو سعید مسعود بن ناصر سجستانی

ورواه أبو سعيد مسعود بن ناصر السجستاني في كتابه حول حديث الولاية بإسناده عن ابن

عباس إنه قال: أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم أن يبلغ بولاية علي، فأنزل الله عزوجل «يا أيها

الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» الآية فلما كان يوم غدیر خم قام فحمد الله وأثنى عليه وقال صلى

الله عليه وسلم: ألسنت أولى بكم من أنفسكم؟ قالوا: بلى يا رسول الله. قال صلى الله عليه وسلم: فمن

كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه، وأحب من أحب وأبغض من أبغضه وانصر من نصره، وأعز من أعزه، وأعن من أعانه.

أبو سعيد مسعود بن ناصر سجستاني در كتاب خود پيرامون حديث ولايت با سند خود از ابن عباس نقل مي‌کند که رسول الله صلى الله عليه وسلم به ابلاغ ولايت علي امر شد، لذا اين آيه نازل شد: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» و چون روز غدیر خم فرا رسيد پیامبر برخاست و حمد و ثنای الهي کرد و فرمود: ...

شواهد التنزيل، ج 2، ص 8.

در باره شخصيت أبو سعيد سجستاني اين‌گونه آمده است:

وأبو سعيد السجستاني من كبار حفاظ أهل السنة ...

أبو سعيد سجستاني از بزرگان حفاظ أهل سنت است ...

الأنساب، سمعاني، ج 3، ص 226.

ذهبي در شرح حال او مي‌گويد:

ومسعود بن ناصر السجزي، أبو سعيد الركاب الحافظ رحل وصنف وحدث عن أبي حسان المزكى وعلي بن بشرى وطبقتهما، ورحل إلى بغداد وأصبهان، قال الدقاق: لم أر أجود إتقاناً ولا أحسن ضبطاً منه. توفي بنيسابور في جمادى الأولى.

مسعود بن ناصر سجزي أبو سعيد ركاب حافظ مسافرت مي‌کرد و مي‌نوشت ... دقاق

در باره او گفته است: متقن تر و اضبط از او نديده‌ام ...

العبر، حوادث سال 477.

### روایت حاکم حسکاني

وروى أبو القاسم عبيد الله بن عبد الله الحسكاني نزول قوله تعالى: «يا أيها الرسول بلغ ما

أنزل إليك ...» في واقعة يوم غدیر خم ...

أبو القاسم عبيد الله بن عبد الله حسكاني نزول آيه: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك

...» را در باره واقعه غدیر خم دانسته است ...

مجمع البيان في تفسير القرآن ج 2، ص 223 - شواهد التنزيل، ج 1، ص 187.

### روایت ابن عساکر

روایت ابن عساکر را همان‌طور که در بالا گفته شد سيوطي در الدر المنثور آورده است.

ابن عساکر عن أبي سعيد الخدري قال: نزلت هذه الآية: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك

من ربك» على رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غدیر خم في علي بن أبي طالب.

آيه «يا ايها الرسول بلغ ...» در غدیر خم بر رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم و در

شأن [حضرت] علي بن ابي طالب [عليهما السلام] نازل شده است.

الدر المنثور، ج 2، ص 298.

ذهبي در شرح ابن عساکر مي‌گويد:

ابن عساكر الإمام الحافظ الكبير محدث الشام فخر الأئمة ثقة الدين ... قال السمعاني: أبو القاسم حافظ ثقة متقن دين خير حسن السمات، جمع بين معرفة المتن والإسناد، وكان كثير العلم غزير الفضل، صحيح القراءة، متثبتاً

ابن عساكر إمام، حافظ، بزرگ و محدث شام و فخر أئمه و مورد وثوق در دين است ... سمعاني در باره او گفته است: أبو القاسم حافظ و ثقة و متقن و ديندار و خير و بيشتتر اوقات ساکت بود، بين معرفت متن و سند جمع کرد. كثير العلم و كثير الفضل و صحيح القرائه و ثابت قدم بود.

تذکره الحفاظ، ج 4، ص 1328 و 1333.

### روایت فخر رازي

العاشر - **نزلت هذه الآية في فضل علي رضي الله عنه، ولما نزلت هذه الآية أخذ بيده** وقال: من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، فلقية عمر رضي الله عنه فقال: هنيئا لك يا ابن أبي طالب، أصبحت مولاي ومولى كل مؤمن ومؤمنة. وهو قول ابن عباس والبراء بن عازب ومحمد بن علي

این آیه در فضیلت علی علیه السلام نازل شده است، و چون این آیه نازل شد حضرت دست علی را بلند کرد و فرمود: من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، عمر به او عرضه داشت: مبارك باد بر تو اي فرزند أبو طالب، تو مولاي من و مولای هر زن و مرد مؤمني گشتي ...

تفسیر رازي، ج 1، ص 49.

ابن خلکان در شرح حال فخر رازي مي‌گويد:

أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسين ابن الحسن بن علي، التيمي، البكري، الطبرستاني [الأصل] الرازي المولد، الملقب فخر الدين، المعروف بابن الخطيب، الفقيه الشافعي. فريد عصره ونسيج وحده، فاق أهل زمانه في علم الكلام والمعقولات وعلم الأوائل، له التصانيف المفيدة في فنون عديدة، منها تفسير القرآن الكريم، ... وكان يلقب بهراة شيخ الاسلام ... وكان العلماء يقصدونه من البلاد وتشد إليه الرحال من الأقطار ...

در عصر خود بي‌نظير و بي‌همتا است، در علم كلام و معقولات و علم أوائل سرآمد همه است صاحب كتابهاي مفيد و متعدد در موضوعات مختلف است كه از جمله آنها تفسير اوست ... و در هرات او را شيخ الاسلام مي‌نامند ... و علماء بلاد ديگر به سوي او رنج سفر تحمل مي‌كنند ....

وفيات الأعيان، ج 3، ص 381 و 385.

## روایت محمد بن طلحه

زیادة تقرير - نقل الإمام أبو الحسن الواحدی فی کتابه المسمى بأسباب النزول یرفعه بسنده إلى أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: **أنزلت هذه الآية: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» يوم غدیر خم فی علي بن أبي طالب.**

توضیح بیشتر امام أبو الحسن واحدی در کتابش به نام أسباب النزول با سندش به أبو سعید خدري گفته است: این آیه: «یا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» روز غدیر خم در باره علي بن أبي طالب نازل شده است.

مطالب السنول فی مناقب آل الرسول، ص 44.

یافعی در باره محمد بن طلحه میگوید:

الکمال محمد بن طلحة النصیبي الشافعي. وكان رئيسا محتشما بارعا في الفقه والخلاف، ولي الوزارة مرة ثم زهد وجمع نفسه، توفي بحلب في شهر رجب وقد جاوز التسعين، وله دائرة الحروف ...

محمد بن طلحه نصیبي شافعي، رئیس و با احتشام و وقار خاصی بود. و در فقه و مسائل اختلافی نوآور بود، و يكبار به پست وزارت منصوب شد اما پس از آن زهد و ورع پیشه کرد. و در شهر حلب ... وفات یافت ...

مرآة الجنان، حوادث سنة 652.

## روایت عبد الرزاق رسعني

قال محمد بن معتمد خان البدخشاني: أخرج عبد الرزاق الرسعني عن ابن عباس رضي الله عنه قال: **لما نزلت هذه الآية: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» أخذ النبي صلى الله عليه وسلم بيد علي فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه».**

محمد بن معتمد خان بدخشاني گفته است: عبد الرزاق رسعني از ابن عباس نقل کرده: زمانی که این آیه «یا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» نازل شد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم دست علي را گرفت و فرمود: من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه».

مفتاح النجا فی مناقب آل العبا، مخطوط.

ذهبی در باره رسعني میگوید:

الرسعني العلامة عز الدين عبد الرزاق بن رزق الله بن أبي بكر، المحدث المفسر الحنبلي. ولد سنة تسع وثمانين. وسمع بدمشق من الكندي وبيغداد من ابن منينا، وصنف تفسيراً جيداً، وكان شيخ الجزيرة في زمانه علماً وفضلاً وجملاً. توفي في ثاني عشر ربيع الآخر.

علامه عز الدين عبد الرزاق بن رزق الله بن أبي بكر رسعني، محدث و مفسر حنبلي است. که در سال هشتاد و نه متولد شد ... و تفسیر خوبی تالیف نمود، و در زمان خود از حيث علم و فضل و جلالت شيخ الجزيرة بود ...

العبر، حوادث 661.

## روایت نیشابوری

عن أبي سعيد الخدري إن هذه الآية نزلت في فضل علي بن أبي طالب [رضي الله عنه وكرم الله وجهه] يوم غدير خم، فأخذ رسول الله صلى الله عليه وسلم بيده وقال: من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه، فلقبه عمر وقال: هنيئا لك يا ابن أبي طالب أصبحت مولاي ومولى كل مؤمن ومؤمنة. وهو قول ابن عباس والبراء ابن عازب ومحمد بن علي.

از أبو سعيد خدري این آیه در فضل علی بن ابی طالب [علیهما السلام] در روز غدیر خم نازل شد. و دست او را گرفت و فرمود: من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه، عمر او را ملاقات نمود و گفت: مبارك باد بر تو اي فرزند أبو طالب امروز تو مولاي من و مولای هر مؤمن و مؤمنه‌اي گشتي و این روایت از ابن عباس و براء بن عازب و محمد بن علي روایت شده است.

تفسیر نیشابوری، ج 6، ص 129 و 130.

اعتماد به نیشابوری و تفسیر او

وذكر الكاتب الجليبي تفسير النيسابوري بقوله: غرائب القرآن ورغائب الفرقان في التفسير،

للعلامة نظام الدين حسن بن محمد بن حسين القمي النيسابوري، المعروف بالنظام الأعرج ...

کاتب جلیبی از تفسیر نیشابوری نام برده و در باره آن این گونه گفته است: تفسیر غرائب القرآن ورغائب الفرقان برای علامه نظام الدین حسن بن محمد بن حسین قمی نیشابوری، معروف به نظام أعرج است ...

کشف الطنون، ج 2، ص 1195.

## روایت بدر الدین عینی

وي در شرح خود بر صحیح بخاری در تفسیر آیه مورد بحث این گونه بیان می‌کند:

ص - باب يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك. ش - أي هذا باب من قوله تعالى: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل» ذكر الواحدي من حديث الحسن بن حماد سجاة قال: ثنا علي بن عياش عن الأعمش وأبي الجحاف، عن عطية، عن أبي سعيد قال: نزلت هذه الآية: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» يوم غدير خم في علي بن أبي طالب رضي الله عنه. وقال مقاتل: قوله بلغ ما أنزل إليك. وذلك أن النبي صلى الله عليه وسلم دعا اليهود إلى الإسلام فأكثر الدعاء، فجعلوا يستهزؤن به ويقولون: أتريد يا محمد أن نتخذك حنانا كما اتخذت النصارى عيسى حنانا. فلما رأى رسول الله صلى الله عليه وسلم ذلك سكت عنهم، فحرض الله تعالى نبيه عليه السلام على الدعاء إلى دينه لا يمنعه تكذيبهم إياه واستهزأؤهم به عن الدعاء ...

ص - باب يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك. ش - يعني: این باب سخن خداوند:

«يا أيها الرسول بلغ ما أنزل» است. واحدی از حدیث حسن بن حماد سجاة آورده است: ... این آیه: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» روز غدیر خم در شأن و فضیلت علی بن ابی طالب [علیه السلام] وارد شده است. و مقاتل گفته است: «بلغ ما أنزل إليك». نبی صلی الله علیه وسلم یهود را به اسلام دعوت نمود و در این راه سعی و کوشش فراوان نمود،

اما آنها در پاسخ فقط به استهزاء و تمسخر حضرت پرداختند و گفتند: اي محمد آيا دوست داري كه ما تو را رحمتي از سوي خدا براي خود بگيريم؛ همانگونه كه نصاری عیسی را رحمت از سوي خدا قرار داده بودند؟ وقتي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم اينچنين دید سكوت كرد. باز هم خداوند رسولش را به دعوت آنها تشويق كرد و از او خواست كه در اين راه هرگز خسته و نا امید نشود ...

عمده القاري، شرح صحيح بخاري، ج 18، ص 206.

سيوطي در باره بدر الدين عيني ميگويد:

... وكان إماما عالما علامة ...

بغية الوعاة، ج 2، ص 275.

### روایت سیوطي

أخرج أبو الشيخ عن الحسن: إن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: إن الله بعثني برسالة، فضقت بها ذرعا وعرفت أن الناس مكذبي، فوعدني لأبلغن أو ليعذبنني، **فأنزلت** «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». وأخرج عبد بن حميد وابن جرير وابن أبي حاتم وأبو الشيخ عن مجاهد قال: لما نزلت «بلغ ما أنزل إليك من ربك». قال: يا رب إنما أنا واحد كيف أصنع، يجتمع علي الناس فنزلت: «وإن لم تفعل فما بلغت رسالته». وأخرج ابن جرير وابن أبي حاتم عن ابن عباس: «وإن لم تفعل فما بلغت رسالته» يعني إن كتمت آية مما أنزل إليك لم تبلغ رسالته. وأخرج ابن أبي حاتم وابن مردويه وابن عساكر عن أبي سعيد الخدري قال: **نزلت هذه الآية**: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». **على رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غدِير خَم في علي بن أبي طالب**. وأخرج ابن مردويه عن ابن مسعود قال: كنا نقرأ على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». إن عليا مولى المؤمنين «وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس» وأخرج ابن أبي حاتم عن عنتره قال: كنت عند ابن عباس فجاءه رجل فقال: إن ناسا يأتونا فيخبرونا أن عندكم شيئا لم يبدعه رسول الله صلى الله عليه وسلم للناس. فقال: ألم تعلم أن الله قال: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». والله ما ورثنا رسول الله صلى الله عليه وسلم سوادا في بيضاء».

أبو الشيخ از حسن روایت نموده است: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: خداوند مرا به رسالتي مبعوث فرمود كه من از انجام آن عاجز ماندم و مي دانستم كه مردم مرا تكذيب مي كنند، خداوند به من وعده داد كه يا آن را ابلاغ كنم يا مرا عذاب نمايد، در اين حال بود كه آيه نازل شد: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك».

و عبد بن حميد و ابن جرير و ابن أبي حاتم و أبو الشيخ از مجاهد روایت نموده اند: چون آيه نازل شد: «بلغ ما أنزل إليك من ربك». پیامبر فرمود: پروردگارا! من يك تنه چه كار مي توانم انجام دهم و حال آن كه مردم دور مرا احاطه نموده اند. آيه نازل شد: «وإن لم تفعل فما بلغت رسالته».

و ابن جریر و ابن ابي حاتم از ابن عباس روايت نموده‌اند: «وان لم تفعل فما بلغت رسالته» يعني: اگر آنچه به تو نازل گرديده را کتمان نمايي رسالت را انجام نداده‌اي.

و ابن ابي حاتم و ابن مردويه و ابن عساکر از ابو سعيد خدری روايت کرده‌اند: آيه: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». بر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در روز غدیر خم در شأن علي بن ابي طالب نازل شد.

و ابن مردويه از ابن مسعود روايت کرده است: ما در زمان رسول خداوند صلی الله علیه وآله وسلم آيه را این‌گونه می‌خواندیم: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». إن علیا مولی المؤمنین «وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس»

و ابن ابي حاتم از عنتره روايت نموده است: نزد ابن عباس بودیم که شخصی وارد شد و گفت: مردمی نزد ما می‌آیند و می‌گویند نزد رسول الله چیزی هست که تا کنون بر ما آشکار نموده است. ابن عباس گفت: مگر نمی‌دانی که خداوند فرموده است: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». والله رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هر آنچه لازم بود را برای ما به ارث گذارد».

الدر المنثور في التفسير بالمأثور، ج 2، ص 298.

ابن العماد در باره سیوطی می‌گوید:

وقد اشتهر أكثر مصنفاته في حياته في أقطار الأرض شرقا وغربا ، وكان آية كبرى في

سرعة التأليف.

أكثر مصنفات سيوطي در زمان حیاتش در مناطق مختلف از شرق و غرب انتشار و شهرت یافت، و او نشانه بزرگ خداوند [معجزه و اعجوبه] در سرعت تألیف بود.

الکواکب السائرة، ج 1، ص 228 .

عبد الله بن صديق مغربي در باره سیوطی می‌گوید:

وكان اماما في أكثر العلوم وأعلم أهل زمانه بعلم الحديث وفنونه ورجاله وغريبه واستنباط

الأحكام منه.

سیوطی امام در اکثر علوم و أعلم أهل زمان خود در علم حدیث و فنون و رجال حدیث و مطالب سخت حدیثی و استنباط احکام از روایات بود.

مقدمه رد اعتبار الجامع الصغير، ص 46.

تلمیذ و شاگرد سیوطی «داودی» درباره او:

وكان أعلم أهل زمانه بعلم الحديث وفنونه ، رجالا وغريبا ، ومتنا وسندا ، واستنباط

للأحكام منه.

أعلم أهل زمان خود در علم حدیث و فنون آن از حیث رجال و مطالب غریب آن، و از حیث متن و سند، و استنباط احکام از روایات بود.

مقدمه اللمع في أسباب ورود الحديث، ص 9.

## روایت حاج عبد الوهاب بخاری

حاج عبد الوهاب بخاری متوفای سال 932 هـ از اکابر علماء و از مشاهیر اهل سنت، که شیخ عبد الحق دهلوی در «اخبار الاخیار» و نیز سید محمد ابن سید جلال ماه عالم در «تذکره الأبرار» برای او شرح حال نوشته‌اند و او را تمجید و ثناء کرده‌اند.  
روایت وی به شرح ذیل است:

«قل لا أسألكم عليه أجرا إلا المودة في القربى»: عن البراء بن عازب رضي الله عنه قال

في قوله تعالى: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» أي: بلغ من فضائل علي. **نزلت الآية في**

**غدير خم.** فخطب رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم قال: من كنت مولاه فهذا علي مولاه. فقال عمر

رضي الله عنه: بخ بخ يا علي أصبحت مولاي ومولى كل مؤمن ومؤمنة. رواه أبو نعيم. وذكره أيضا

الثعالبي في كتابه.

از براء بن عازب روایت شده در باره قول خداوند تعالی: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» یعنی: فضائل علی را ابلاغ کن. این آیه در غدیر خم نازل شد. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه‌ای خواند و سپس فرمود: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه». عمر گفت: «بخ بخ يا علي أصبحت مولاي ومولى كل مؤمن ومؤمنة». این روایت را أبو نعيم و ثعالبي در کتابشان ذکر کرده‌اند.

أخبار الأخیار، ص 206.

## روایت جمال الدین محدث شیرازی

جمال الدین عطاء الله فرزند فضل الله شیرازی، معروف به محدث متوفای سال 926، صاحب کتاب «روضه الأحابیب فی سیر النبی والآل والأصحاب» و کتاب «الأربعین فی فضائل أمير المؤمنين». محدثی مدقق و مورد قبول مؤرخان و محدثان و أصحاب سیر و تاریخ بوده است. بسیاری از علماء اهل سنت مثل ملا علی قاری در شرح احادیث مشکاه، و عبد العزیز دهلوی در رساله خود در علم حدیث به او اعتماد نموده و از او نقل حدیث نموده‌اند ...

او در کتاب اربعین خود روایت را این‌گونه آورده است:

أقول: أصل هذا الحديث - سوى قصة الحارث - تواتر عن أمير المؤمنين عليه السلام. وهو

متواتر عن النبي صلى الله عليه وآله أيضا. رواه جمع كثير وجم غفير من الصحابة. فرواه ابن

عباس ولفظه قال: لما أمر النبي أن يقوم بعلي بن أبي طالب المقام الذي قام به، فانطلق النبي إلى

مكة فقال: رأيت الناس حديثي عهد بكفر، ومتى أفعل هذا به يقولون صنع هذا بابن عمه، ثم مضى

حتى قضى حجة الوداع، ثم رجع حتى **إذا كان بغدير خم أنزل الله** عز وجل: «يا أيها الرسول بلغ ما

أنزل إليك ما ربك» الآية. فقام مناد فنادى الصلاة جامعة، ثم قام وأخذ بيد علي فقال: «من كنت مولاه

فعلي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه»

مولف می‌گوید: أصل این حدیث - غیر از قصه حارث که ضمن واقعه غدیر ذکر شده - از

أمير المؤمنين عليه السلام به تواتر نقل گردیده است. و این روایت به تواتر از پیامبر صلی الله

عليه وآله نیز روایت شده است و جمع کثیری از صحابه نیز آن را نقل کرده‌اند. ابن عباس آن را

این چنین روایت نموده است: زمانی که پیامبر امر شد تا علی را که مامور به بلند نمودن او بود

بلند نماید رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از مکه خارج شده بود. به خدایش عرضه

داشت: مردم را حدیث العهد به کفر و جاهلیت می‌بینم، و هر کاری من انجام دهم می‌گویند این شخص به نفع پسر عمویش انجام داده است و از من نمی‌پذیرند. تا این که حجه الوداع به پایان رسید و در مسیر بازگشت از مکه به سرزمین غدیر خم رسیدند که آیه نازل شد: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک ما ربک» تا آخر آیه. در این جا منادی برخاست و برای نماز جماعت ندا داد، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم برخاست و دست علی را گرفت و بلند کرد و فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه».

کتاب الأربعین فی فضائل أمير المؤمنين، مخطوط - الغدير، علامه آمینی، ج 1، ص 301.

### روایت بدخشانی

میرزا محمد بدخشانی از محدثین مورد اعتماد اهل سنت است، که بسیاری از علمای متأخر اهل سنت، از او نقل حدیث کرده و به روایات او استشهاد نموده‌اند و از جمله آثار او: نُزل الأبرار، تحفه المحبین، مفتاح النجا، می‌باشد. خلاصه‌ای از شرح حال او به نقل از کتاب «نزهه الخواطر، ج 6، ص 259» این چنین است:

«الشیخ العالم المحدث بن رستم بن قباد الحارثی البدخشی، أحد الرجال المشهورین فی

### الحدیث والرجال»

(شیخ و عالم و محدث و یکی از بزرگان در علم حدیث و رجال است.)

نزهه الخواطر، ج 6، ص 259

روایت او به شرح زیر است:

الآیات النازلة فی شأن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب كرم الله وجهه كثيرة جدا لا أستطيع استيعابها، فأوردت في هذا الكتاب لبها ولبابها ... وأخرج - أي ابن مردويه - عن زر عن عبد الله رضي الله عنه قال: كنا نقرأ على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم: يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک إن علیا مولی المؤمنین وإن لم تفعل فلما بلغت رسالته والله يعصمک من الناس. وأخرج عبد الرزاق عن ابن عباس رضي الله عنه قال: **لما نزلت هذه الآية** «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک» أخذ النبي بيد علي فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. وأخرج ابن مردويه عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه مثله، وفي آخره: فنزلت «اليوم أكملت لكم دينكم» الآية. فقال النبي: الله أكبر على إكمال الدين وإتمام النعمة ورضى الرب برسالتي **والولاية لطي بن أبي طالب.**

آیات نازل شده در شأن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب [عليهما السلام] بسیار زیاد است که قابل احصاء و شمارش نیست. که من در این کتاب خلاصه‌ای از آن را می‌آورم ... آیه نازل شد «اليوم أكملت لكم دينكم» پیامبر فرمود: الله أكبر برای إكمال دين و إتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی بن أبي طالب.

الغدير، علامه آمینی، ج 1، ص 222 - مفتاح النجا - مخطوط.

### روایت همدانی

عن البراء بن عازب رضي الله عنه قال: أقبلت مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في حجة الوداع، فلما كان بغدير خم نودي الصلاة جامعة، فجلس رسول الله صلى الله عليه وسلم تحت شجرة،

وأخذ بيد علي وقال: أأنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ قالوا: بلى يا رسول الله. فقال: ألا من أنا مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. فلقية عمر رضي الله عنه فقال: هنيئا لك يا علي بن أبي طالب، أصبحت مولاي ومولى كل مؤمن ومؤمنة، وفيه نزلت «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك».

از براء بن عازب روایت شده که: با رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در حجه الوداع بودم، که چون به غدیر خم رسیدیم برای نماز جماعت ندا داده شد، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم زیر درخت نشستند، و دست علی را گرفته و فرمودند: ...  
ينابيع المودة لذوي القربى، قندوزي، ج 2، ص 283.

### روایت ابن صباغ

روى الإمام أبو الحسن الواحدى في كتابه المسمى بأسباب النزول، يرفعه بسنده إلى أبي سعيد الخدرى رضي الله عنه قال: نزلت هذه الآية: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» يوم غدیر خم في علي بن أبي طالب.  
الفصول المهمة في معرفة الأئمة، ص 42.

### روایت محبوب العالم

محمد محبوب العالم فرزند صفی الدین جعفر معروف به بدر العالم عن أبي سعيد الخدرى: هذه الآية نزلت في فضل علي بن أبي طالب رضي الله عنه يوم غدیر خم، فأخذ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بيده وقال: من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. فلقية عمر رضي الله تعالى عنه وقال: هنيئا لك يا ابن أبي طالب، أصبحت مولاي ومولى كل مؤمن ومؤمنة. وهو قول ابن عباس والبراء بن عازب ومحمد بن علي رضي الله تعالى عنهم.

در نیسابوری از أبو سعید خدری روایت شده: این آیه در فضیلت علی بن ابی طالب [علیهما السلام] روز غدیر خم نازل شده، از این رو رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم دست علی را گرفت و فرمود: «من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه.» عمر او را ملاقات نمود و گفت: «هنيئا لك يا ابن أبي طالب، أصبحت مولاي ومولى كل مؤمن ومؤمنة.» و این قول ابن عباس و براء بن عازب و محمد بن علي [علیهما السلام] است.

تفسیر النیشابوری، ج 3، ص 188.

زمانی که به تأیید منابع اهل سنت شأن نزول آیه اکمال و ابلاغ در غدیر خم و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام ثابت شد؛ در این صورت میتدا و خبر کامل شده و معنا و مفهوم مورد ادعای شیعه نیز ثابت شده و دروغگو و کاذب نیز مشخص گردیده و در آن صورت است که باید گفت:

## «فثبت ولاية علي بن ابي طالب»

### پاسخ به اشكال سوم

## چرا پیامبر علي را در مکه و يا عرفات به مردم معرفي نکرد؟

با روشن شدن پاسخ این بخش از اشکال ابن تیمیه و ابن کثیر که با اعتماد به روایت عمر بن خطاب در صحیح بخاری بود به بخش دیگری از سخن ابن تیمیه که مکه و عرفات را برای ابلاغ امامت و خلافت امیر المؤمنین علیه السلام مناسبتر می بیند می پردازیم:  
شایسته است در این خصوص چند نکته بیان گردد:

### 1 - رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم کاملاً تابع وحی است

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم کاملاً تابع وحی است، و چون آیه ابلاغ در غدیر نازل شده است او نیز مأمور است تا همان مکان و نه هیچ مکان دیگری به این امر اختصاص یابد. که در ادامه، روایات اهل سنت مبنی بر نزول آیه ابلاغ و اکمال در غدیر خم ذکر می گردد.  
نظیر این مورد:

**نزلت هذه الآية: «يا ايها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك»** علی رسول الله صلی الله علیه

**وسلم يوم غدیر خم فی علی بن ابي طالب.**

آیه «يا ايها الرسول بلغ...» در غدیر خم بر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و در شأن [حضرت] علی بن ابي طالب [علیهما السلام] نازل شده است.

الدر المنثور، ج 2، ص 298 - عمده القاری، عینی، ج 18، ص 206 - أسباب نزول الآیات، واحدی نیشابوری، ص 135 - شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج 1، ص 250 - فتح القدر، شوکانی، ج 2، ص 60 - تفسیر آلوسی، ج 6، ص 193.

روایات متعدد دیگری در بالا ذکر گردید.

### 2 - تمام فتنه ها از مدینه برخواید خواست.

مشکلی که برای خلافت و امامت امیر المؤمنین علیه السلام می تواند پیش آید بیش تر می تواند از ناحیه جمعیت مسلمان قریش و ساکنان مدینه ایجاد گردد (همان گونه که بعد از وفات پیامبر تجربه شد) و نه از ناحیه مسلمانان دور دست همچون یمن و طائف و یا سایر دیار، از این رو خداوند پیامبر خویش را مأمور می سازد تا بیشترین تأکید و توجه مردم را در منطقه ای که تجمع مردم بیشتر به آنها معطوف است عملی سازد.  
بخاری در باره پیش بینی رسول خدا از وقوع فتنه ها بعد از خود در مدینه می گوید:

**حَدَّثَنَا أَبُو نُعَيْمٍ، حَدَّثَنَا ابْنُ عُيَيْنَةَ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَسَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ**

**أَشْرَفَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى أَطْمٍ مِنَ الْأَطَامِ، فَقَالَ هَلْ تَرَوْنَ مَا أَرَى إِنِّي أَرَى الْفِتْنَ تَقَعُ**

**خِلَالَ بَيْوتِكُمْ مَوَاقِعَ الْقَطْرِ.**

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به روی تلی از بلندی های اطراف مدینه رفت و

فرمود: آیا شما هم آنچه من می بینم می بینید؟ من می بینم که فتنه ها از لابلاي خانه های

شما [اهل مدینه] همچون باران باریدن نماید.

صحیح بخاری، ج 4، ص 176، ح 3597، کتاب المناقب، ب 25، باب عَلَامَاتِ الشُّبُوهِ فِي الْإِسْلَامِ.

نووی در شرح این جمله در صحیح بخاری می‌گوید:

... والتشبيه بمواقع القطر في الكثرة والعموم أي أنها كثيرة وتعم الناس لا تختص بها

طائفة وهذا إشارة الى الحروب الجارية بينهم كوقعه الجمل وصفين والحره ومقتل عثمان ومقتل

الحسين رضي الله عنهما وغير ذلك وفيه معجزة ظاهرة له صلى الله عليه وسلم .

این تشبیه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که از معجزات آن حضرت می‌باشد

اختصاص به طایفه‌ای خاص از اهل مدینه ندارد؛ بلکه این سخن به جنگ‌هایی بین مردم مدینه

اشاره دارد مثل جنگ جمل و صفین و حره و مقتل عثمان و مقتل حسین علیه السلام و غیر

این جنگ‌ها

شرح مسلم، نووی، ج 18، ص 7.

ابن حجر در شرح این فقره از سخن رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می‌گوید:

... اني لارى الفتن خلال بيوتكم وكان خطابه ذلك لاهل المدينة.

خطاب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به اهل مدینه است.

فتح الباری ج 13، ص 38.

از این رو خدا و رسول او لازم می‌دانند تا تمام تأکید و عنایت خود را در امر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام با مردم مدینه داشته باشند.

### 3 - منی و عرفات و یا مکه نا مناسب برای معرفی امیر المؤمنین علیه السلام

منی و عرفات و یا شهر مکه محلی است که تمام توجه مردم در ایام حضور در آن مکان، به عبادت و تضرع و انقطاع الی الله و اعمال مخصوص به آن مکان و زمان می‌گردد و هر گونه برنامه‌ای دیگر در آن سرزمین، یا توجه مردم به عبادت را متوجه خود می‌سازد و یا اهمیت ویژه آن امر را از بین می‌برد.

### 4 - اعلام عمومی در مدینه بر آموزشی بودن حجه الوداع

از ابتدای امر و قبل از حرکت کاروان حجه الوداع در مدینه ندا داده شده بود که رسول خدا برای آموزش احکام و مناسک حج عازم مراسم حج هستند.

عن حذيفة: أمر رسول الله صلى الله عليه وآله المؤننين، فأنذروا في أهل السافلة والعالية:

ألا إن رسول الله صلى الله عليه وآله قد عزم على الحج في عامه هذا ليفهم الناس حجهم ويعلمهم

مناسكهم ، فيكون سنة لهم إلى آخر الدهر ...

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به مؤذنان امر فرمود تا در تمامی شهرها و

دیارها اعلام کنند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در این سال (سال آخر عمر پیامبر)

قصد حج دارند و منظور و غرض از این حج آموزش و تعلیم مناسک و اعمال حج است تا این

مناسک برای همیشه بین مردم بماند ...

إرشاد القلوب، ص 328 - بحار الانوار، ج 28، ص 95 و ج 37، ص 115 و ج 21، ص 378، باب 26.

از این رو شاید بتوان این‌گونه گفت: که خدا و رسول او نخواسته‌اند هرگونه امری که از توجه مردم به آموختن و تعلیم مناسک و اعمال حج می‌گردد را در ایام حضور در مکه و عرفات و منی مطرح سازند.

## 5 - تاييد مناسب غدير در معرفي امير المؤمنين به پيام تبريك ديگران

شرایط و ظروف زماني و مكاني در غدير به حدي مهيا و مناسب بوده است كه جمعيت حاضر در غدير كه جلو آمده و با امير المؤمنين عليه السلام بيعت کرده و دست داده و با كلماتي همچون «بخ بخ لك يا بن ابي طالب!» تبريك گفته و در مرئي و منظر تمام حاضران در غدير اين اتفاق را به عنوان سندي ماندگار در تاريخ ثبت نمودند.

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين و اولاده المعصومين عليهم السلام.

اللهم العن الجبت الطاغوت  
wWw.Alamdar.Blogfa.com